

شما (عروسان) که از پشت شما هستند، و اینکه جمع میان ازدواج دو خواهر (در یک وقت) کنید مگر آنچه در جاهلیت گذشته که خداوند آمرزش کار و مهربان و دل نواز است.

### جز و پنجم :

۲۴- وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ. و زنان شوهر دار بر شما حرام است مگر آنکه در جنگ با کفار زنهای شوهر دار اسیر شما شوند، این نوشته خدا به عهده شما است و جز آنکه گفته شد بر شما حلال است بشرطیکه از مال خود کابین دهید و زنا کاری نکنید. فَاتَّسَمْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ قَرِيبَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيزَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا. پس هر زنی را که به نکاح متعه گرفتید مزد آنها را بدهید که بر شما واجب و بریده است و بر شما تنگی و ایرادی نیست اگر بتراضی مقدار کابین را بعد از آنکه بر شما واجب شد کم و زیاد کنید که خدای دانا و راست دانش است.

### تفسیر ادبی و عرفانی

۱۹- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ. آیه. ای مؤمنان، زنان یک دگر را به ارث نه برید! در این آیت هم نداست هم تشبیه هم اشارت هم شهادت هم حکم. و بیان حکم آنست که این زنان ضعیفند و اسیر قهر شما هستند، ایشانرا نرنجانید، و از راه حيله و تدلیس برایشان حکم نکنید و به قهر نرانید و آنچه شرع نه پسندد از آنان نخواهید و با ایشان به طور معروف و نیکی زندگانی کنید، راه دین و دیانت با ایشان بنمائید و آداب مسلمانی و شریعت به ایشان بیاموزید و آداب صحبت و معاشرت به آنان یاد دهید و خودتان آن آداب را با ایشان نگاه دارید و رنج ایشانرا تحمل کنید و بار خدمت و رنج خویش بر آنان منهدم :

گرچه ظاهر آیت در باره زنان است لیکن از روی اشارت شامل همه مسلمانان است که می گوید : نگرید تا خویشان را هیچ وقت بر هیچ مسلمانی دارای حق و فضل واجب نبینید و از مهربان خویش خدمت نخواهید و بر کینان زور نگوئید و بر اهل ضعف، صولت ننمائید بلکه در مراعات و مواسات ایشان بکوشید و به ایشان تقرب کنید.

به داود ندا رسید ای داود: اگر شکسته ای در راه ما بینی، بادل شده ای در کار ما دیدی، نگر تا اورا به لقمه نانی خدمت کنی و به شربت آبی بدو تقرب جوئی و در بر آفتاب نور دلش بنشین، ای داود، دل درویش درد زده، تابشگاه آفتاب نور ما است و آفتاب نور جلال ما پیوسته در غره دل او می تابد :

پیر طریقت گفت: ای مسکین اگر نتوانی که به او تقرب جوئی، باری به دل اولیاش تقرب بجوی، که وی بردل ایشان اطلاع کند، هر که را درد دل ایشان بیند ویرا به دوستی گیرد، نبینی که مصطفی (ص) باضعفاء مهاجران بنشستی و خود را در ایشان شمردی و سپاس خدای را بجای آوردی، که خداوند اورا مأمور کرده که باضعیفان امت بنشیند و تحمل و بردباری با ایشان نماید.

... فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ... آیه. هر چه امروز بر نفس تو سخت تر آید، فردا بردلت خوشتر آید، و هر چه امروز در سرای حکم، صورت رنج دارد، فردا در سرای وصل مایه گنج بود، بی مرادی و بی کای امروز بر نفس سوار است لکن زهی مراد و کام که فردا در ضمن این کار است.

## گرم روز اندرین منزل نورا حالی زیان باشد

زهی سرمایه و سودا که فردا زین زیان باشد  
 ۲۰- وَاِنْ اَرَدْتُمْ اِسْتِیْذَالَ زَوْجٍ . آیه . در مذهب دوستی، کرامت و جوان مردی این است که جنمای  
 فراق را با استرداد معاش با هم جمع نکنی که این نه کار کریمان است و نه سزاوار جوان مردان، چون داغ جلدائی بردل آن  
 بیچاره نهادی، نگر تا دست خرج او نیز بر بند نیاری که آنچه داده بستانی و داغ برداغش نبی ا  
 حضرت حسین بن علی (ع) زنی داشت او را طلاق داد آنگاه مال فراوان به او فرستاد و فرمود: محنت فراق ما  
 او را بس است و نباید رنج دست تنگی نیز بر او نهاد! گویند آن مال چهل هزار درم بود! آن زن گفت: در برابر جلدائی از  
 دوست اندک چیزی است!

۲۳- حُرِّمَتْ عَلَیْكُمْ اُمَّهَاتُكُمْ . آیه . اشارت است باین که بنای شرع بر تعبد است نه بر تکلف و مایه  
 آن تسلیم است نه تعلیل و تسلیم راهی است آسان، منزل آن آبادان، مقصد آن رضای رحمان، لیکن تکلف راهی است  
 دشوار، منزل آن خراب، مقصد آن ناگوار، هان از راه تکلف خیز، و در تسلیم آویز، و زتصرف و تعلیل پرهیز، آنچه  
 شرع حرام کرد، بی علت آنرا حرام دان، که بنای آن بر مشیت و اراده الهی است که آنچه مصلحت داند کند و آنچه  
 اراده نماید انجام دهد!

## تفسیر لفظی

۲۵- وَمَنْ لَمْ یَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلاً اَنْ یَنْکِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فِیْنَمَا مَلَکَتْ  
 اَیْمَانُكُمْ مِنْ فِتْیَاتِکُمْ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِاَیْمَانِکُمْ بِبَعْضِکُمْ مِنْ بَعْضٍ . هر کس از شما نتواند  
 با زنان آزاد و با ایمان از جهات نداشتن مال نکاح کند، ویرا کنیزکان با ایمان حلال است و خداوند به ایمان شما نسبت  
 به یکدیگر به دین یکدیگر آگاه است . فَانْکِحُوهُنَّ بِاِذْنِ اَهْلِیْهِنَّ وَاَتُوهُنَّ اُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ  
 مُحْصَنَاتٍ غَیْرِ مُسَافِحَاتٍ وَاَلَا تُؤْخَذُ اَخْدَانًا . آنرا با اجازه خداوندشان نکاح کنید و در خور آنان کابین دهید  
 و کنیزکان پاک، به نکاح پاک گیرید نه به زنا و نه به هوای دل آفایا ذَا اِحْصِنَنَّ فَاِنَّ اَتَیْنَنَّ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَیْهِنَّ نِصْفُ  
 مَا عَلَی الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ لِئِنْ خَشِی الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَاَنْ تَصْبِرُوا خَیْرٌ لَّكُمْ وَاللّٰهُ  
 غَفُورٌ رَّحِیْمٌ . پس از آنکه کنیزکان شوهر کردند اگر زنا کنند و مرتکب فحشاء شوند نصف حد زنان آزاد بر آنها  
 جاری میشود و این نکاح کنیزان برای کسانی است که از آفت عذاب بودن و تباهی دین می ترسند و اگر شکیبائی و خودداری  
 کنید برای شما بهتر و نیکوتر است چون خداوند آمرزش کار و مهربان و دل نواز است .

۲۶- یُرِیدُ اللّٰهُ لَیْبِیْنَنَّ لَکُمْ وِیَهْدِیْکُمْ سُنَنِ الَّذِیْنَ مِنْ قَبْلِکُمْ وَیَتُوبَ عَلَیْکُمْ وَاللّٰهُ عَلِیْمٌ  
 حَکِیْمٌ . خداوند می خواهد که راه پسندیده را از راه ناپسند برای شما بیان کند و شمارا براه نیکان که پیش از شما بودند رهبری  
 نماید و شما را از کارهای ناپسند توبه دهد که خداوند دانا و راست دانش است .

۲۷- وَاللّٰهُ یُرِیدُ اَنْ یَتُوبَ عَلَیْکُمْ وَیُرِیدُ الَّذِیْنَ یَتَّبِعُونَ الشَّهَواتِ اَنْ تَمِیلُوا مِیْلًا عَظِیْمًا .  
 خداوند می خواهد که شما را با خود آورد و توبه شمارا بپذیرد و کسانی که پیرو هوی و هوس و شهوت ها هستند و گرد بایستهای  
 ناپسند می گردند می خواهد که شما از راه راستی و درستی به گمراهی بزرگ بگردید!

۲۸- يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا. خداوند می خواهد که بار شما سبک کند چون آدمیان ضعیف آفریده شدند.

۲۹- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَنَاكُلُوا مَوَالِكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَن تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا. ای کسانی که گرویده اید، مالهای یکدیگر را میان خودتان به ناشایست و ناز و نخورید، مگر آنکه بازرگانی با رضایت خاطر و هم داستانی دلهای شما باشد و خود و یکدیگر را نکشید و در خون خود مباشید (یعنی سم نخورید و خود را غرق نکنید) که خداوند نسبت بشما مهربان است.

۳۰- وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عَدْوَانًا وظَلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَنِّي اللَّهُ بِسِيرًا. و هر کس چنین کاری از روی دشمنی و ستم کند، بزودی او را در آتش دوزخ می سوزانیم و این کار بر خداوند آسان است.

### تفسیر ادبی و عرفانی

۲۵- وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ. آیه. خدای جهانیان، رهی دار مهربان، نوازنده بندگان، سازنده کار ایشان، تابنده عنایت خویش بردوستان، آراینده دوستان خویش به لباس احسان، خداوند بخشنده و بخشودن پاینده، و هر کس را بر خویش نماینده، نه بینی که نیازمندان را رخصت نکاح کنیزان داد و فرمود: اگر نمی توانید خودداری کنید و توانا بر نکاح زن آزاد نیستید، برای آنکه از عفاف بیرون نروید کنیز را نکاح کنید، این خود راه رخصت ضعیفان است که بر خود نتوانند و توانائی ندارند. لیکن عمل جوان مردان طریقت و مجاهدان راه حقیقت رنگی دیگر دارد و عشق آنان ذوقی دیگرانه عذر رخصت ایشانرا بفریبده نه سلطان شهوت برایشان برتاود، گوئی مشمول این ندهاستند که برداود آمد، خداوند به داود فرمود: ای داود: خویشان و نزدیکان خود را از شهوت رانی دنیائی پرهیزده، چون دلهائیکه در پی شهوت دنیا است از من دور و در پرده فراموشی مهجور است.

... وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَيِّمَانِكُمْ. آیه. این آیت تعریف است از کفایت و وظیفه دینی و اشارت است به تقدیس خداوند و مزه بودن از جفتی با مریم! در صورتیکه بندگان خود را از نکاح با کنیز عاز داشت جز به وقت ضرورت! یعنی که تا خدای را از مناجت با پرستنده خود پاک و مزه دانند اولی انسان ضعیف و مضطر را به نکاح کنیز دل خرسند کرد و گفت: همه از آدم و حوا هستند و در عقیده دین همه با هم، و هم شکل و همه جنس یکدیگرند، و البته هم جنس با هم جنس پرواز کند و هم شکل با هم شکل گراید، پس جفت داشتن و به جفت گزیندن ایشانرا سزد و خداوند یکتا و بیگانه را که شکل و مانند هم جنسی نیست، جفت داشتن نه سزد چه او را کفو و همسری نیست.

... وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَّكُمْ. آیه. اگر گیرد رخصت نگریدید و در قهر نفس شکینا باشید و از نکاح کنیز هم خودداری کنید، شمارا بهتر بود و راه جوان مردان این است! و دوستان خود این کنند و با این همه خداوند استمالت بنده را فرونگذاشت و امر به صبر نداد، بلکه گفت: اگر صبر کنید و به رخصت فرو نیائید و مردانه در راه احتیاط روید، شمارا جای نوازش هست و اگر نتوانید، شمارا عذر هست از آنکه شما ضعیفانید و بر خود بر نتوان، باری لاف مردان چه زیند؟ و جای مردان چه گیرید؟

برگ بی برگی نداری لاف درویشی مزن

رخ چو عیاران نداری جان چنان مردان مکن!

۲۶- یُرِيدُ اللهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ آية. این آیت بیان شرف امت محمد و اظهار عزت ایشان است و منت خدای برایشان آن منت و کرامت که بر دیگران از رفتگان و پیشینیان نباشد که معاملت با آنان مکافات عمل بود که به ایشان رسیده! چنانکه بعضی به صیحه، برخی به صاعقه، گروهی به زمین فرورفتن و قومی به غرق شدن کيفرداد و چون این امت، حال ایشان بشنیدند و داستان آنان برخوانند منتظر بودند تا در حق ایشان از بارگاه احدیت چه فرمان رسد؟ این بود که فرمان رسید که خداوند توبه شما را می پذیرد و به راه راست رهنمون میشود و می گوید: با شما آن نکنیم که با آنان کردیم که ایشان را سزاوار خسف و مسخ و غرق دانستیم و شما را شایسته توبت و رحمت و مغفرت!

۲۸- یُرِيدُ اللهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ آية. یعنی خداوند می خواهد سنگینی بارگناهان را، با واردات دلهای شما تخفیف دهد، و بوسیله قبول حمل امانت، بارگناه شما را سبک گرداند، و در نتیجه ورود انوار مشاهدات در دلهای شما، رنج کوششها و زحمتها را از شما بازگیرد، و رنج خواستن را با روح مواسلت تلافی کند.

... وَخَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا آية. در قرآن هر جا که نام انسان با صفتی ناپسندیده پیوند است چنانکه فرموده: انسان ظلم و کفار است، انسان هلوغ (پر جزع و فرع و حریص بر مال) آفریده شده، انسان همینکه خود را بی نیاز دید سرکش می کند، انسان نسبت بخدای خود کند (کافر نعمت و حق شناس) است، انسان در زیان کاری است و مانند آنها، این از آن سبب است که انسان از جاك است و خاك مایه کثافت و اصل کدورت و تیرگی است اما امید بندگان به آنست که خداوند آن روز که می آفرید، عیب را می دید و آنگاه با همان عیب می خرید!

پیر طریقت گفت: خداوند!، تو ما را جاهل خواندی، از جاهل جز جفا چه آید؟ تو ما را ضعیف خواندی، از ضعیف جز خطا چه آید؟ خداوند!، ما را بر پیروزی بر نفس خویش بواسطه ضعف و ناتوانی انکار کردی، دلیری و شوخی ما را هم از جهل انکار کن! خداوند!، تو ما را بر گرفتگی و کس نگفت که بردار، اکنون که بر گرفتگی و امگندار و در سایه لطف و عنایت خود و امیدار! خدا یا!

گر آب دهی نهال، خود کاشته ای      ورپست کنی بنا، خود افراشته ای!  
من بنده همانم، که تو پنداشته ای      از دست میفکنم، چو برداشته ای

### ❦ تفسیر لفظی ❦

۳۱- اِنْ تَجْتَنِبُوا كِبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلِكُمْ مَدْخَلَ كَرِيمًا. اگر از گناهان بزرگ که شما را از آن باز می زنند دوری کنید ما گناهان شما را ناپیدا کنیم و شما را در آوردنی نیکو در جای پسندیده در آوریم.

۳۲- وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ اِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا. آرزو نکنید و نخواهید از آنچه خداوند بعضی را بر بعضی دیگر فزونی داده که مردان را از آنچه کسب و کار کنند بهره ثواب است و بهره عمده آنان در جهاد است و زنان هم از آنچه کسب و کار کنند بهره ثواب و آن در حفظ عفت و در طاعت شوی است و پیوسته فضل خدا را برای خود بخواید که خداوند هر چیزی دانا است.

۳۳- وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِي مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَالَّذِينَ عَقَدَتْ أَيْمَانُكُمْ فَآتَوْهُمْ

نَصِيْبِهِمْ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيًّا كَلِّمًا شَيْءٍ شَهِيْدًا . برای هر يك از مردان و زنان (عُصْبِه) قرار داده ایم یعنی سهمی از ارث پدران و مادران و خویشان و کسانی که با آنها عقد یمین یعنی قرار داد دوستی و هم ارثی با هم بسته اید و بنا بر این نصیب و بهره هر کدام از آنها را بدهید که خداوند بر هر چیزی گواه است .

۳۴- اَلرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلٰی النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللّٰهُ بَعْضَهُمْ عَلٰی بَعْضٍ وَّ بِمَا اَنْفَقُوا مِنْ اَمْوَالِهِمْ فَالْصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللّٰهُ . مردان بر سر زنان کنده خدا یانند و کار داران و بر است دارندگان آنان هستند، به سبب آنچه خداوند بعضی ایشانرا بر بعضی دیگر برتری و فضیلت داده و به سبب آنچه که از اموال خود در راه خدا انفاق می کنند پس زنان نیک خو، شوهران خویش را فرمان بردار اند و زیر جامه خویش را (یعنی عفت) نگاه دارند به سبب آنچه خداوند آنها را نگاه داشته و تفضل کرده است . وَاللَّائِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاَهْجُرُوهُنَّ فِی الْمَضَاجِعِ وَاَضْرِبُوهُنَّ فَاِنَّ اَطْعَمْتُمْ لَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَیْهِنَّ سَبِيْلًا اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيًّا كَبِيْرًا . وزنانی را که نگران نشوزشان (نافرمانی) هستید و از آن بیم دارید ، پند و اندرز دهید و جامه های خواب را از ایشان جدا کنید و هجرت در کلام هم تاسه روز روا باشد تا مینبئه شوند و ایشانرا بزنید (نه زدن سخت) در این حال اگر از شما فرمان بردند و اطاعت کردند برایشان بهانه مگیرید و راهی برای بیداد و ستم بر آنها مجوئید که خداوند از هر چیز بهتر و برتر و مهتر است (۱).

۳۵- وَاِنَّ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَیْنِهِمَا فَبُاعِثُوهُمَا بِمَا كَرِهَتْ اَهْلُهُمْ وَّ حَاكِمًا مِنْ اَهْلِهَا اِنَّ یُرِیْدُ اِصْلَاحًا یُوفِّقُ اللّٰهُ بَیْنَهُمَا اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيْمًا حَبِيْرًا . اگر از ناسازگاری و خلاف میان زن و شوهر بیم دارید پس داوری از سوی مرد و داوری از سوی زن برگارید تا اگر در دل اصلاح و آشتی خواهند ، خداوند میان آنها برآمد سازد و باهم ساختن پدید آرد ، که خداوند دانا و همیشه آگاه است .

### تفسیر ادبی و عرفانی

۳۱- اِنَّ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ . آیه گناهان بزرگ (کبیره) در راه شریعت، آنها است که یاد شده ولی گناهان بزرگ اهل صحبت در کوی طریقت به زبان اشارت نوعی دیگر است و ذوقی دیگر دارد ، چون اهل خدمت دیگرند و اهل صحبت دیگر خدمتیاران مزدورانند و صحبتیاران مقرر بانند ، طاعت خدمتیاران کبیره مقرر بان است و نشانه گناهان بزرگ آنست که آدمی را در روش خویش گناه گاهی فترتی بیفتد که فطرت او مغلوب اوصاف بشریت شود و حیات ایشان در معرض رسوم و عادات نکوهیده افتد و حقایق ایمان به شوائب اغراض و حظهای نفسانی آمیخته و آلوده گردد، در آن حال اگر ندائی از غیب به داد آنان نرسد و امید از صحبت ارادت و صدق و سرور و وجود آنها را پیش نیاید و دست نگیرد ، هیچ گاه از چاه به خودی خود بیرون نیاید !

بزرگان دین گفته اند: که مرد تا به سر این خطرگاه نرسد و این مقام فترت باز نگذارد پیر طریقت نشود و مرید گرفتار را نشاید ، مردی باید که هزار بار راه گم کرده باشد تا کسی را از بی راهی به راه باز آرد که اول راه به راه باید آنگه راه باید ، آن کس که همواره بر راه باشد راه داند ولی راه به راه نداند ! و سر زلت پیمبران و وقوع فترت ایشان همین است !

۳۲- وَلَا تَتَّبِعُوا مَافَضَّلَ اللّٰهُ بِهٖ بَعْضُكُمْ عَلٰی بَعْضٍ . آیه . بزرگان دین و عرفان در این معنی گفته اند که هر کس پنداشت که نابرده رنج به مقصود میرسد او (آرزودار) است و هر کس پنداشت که تنها یارنج و تعب به مقصود

(۱) این آیه ناظر به زنهای عصر جاهلیت است که فاقد هرگونه تربیت و تعلیم بودند .

میرسد او (تنها زحمت) کش است و ناتوان کسی است که پیرویِ هوایِ نفس کند و آرزو با خدا داشته باشد! شیخ انصاری گوید: او را به طلب نیابند! اما طالب یابد و تاش نیابد طلب نکند، و هر چه به طلب یافتنی باشد فرومایه است، یافت حق برای بنده پیش از طلب است! اما طالب او نخستین پایه است، عارف، طلب از یافتن یافت نه یافتن از طلب، چنانکه بنده فرمان بر و مطیع طاعت را از اخلاص یافت، نه اخلاص از طاعت، سبب را از معنی یافت نه معنی از سبب! بار خدا با چون یافت تو پیش از طلب و طالب است پس بنده از آن رود در طلب است که بی قراری بر او غالب است، و طالب در طلب است در حالیکه مطلوب پیش از طلب حاصل است، اینک تو را کاری است بس عجب! عجب تر آنکه یافت نقد شد و طلب بر نخاست! حق دیده و رشد و پرده عزت بجا است!

دریای ملاحظی و موج حسنات      کانون مکرمانی و ذات حیات  
اندر طلب تو عاشقان در حسرات      چون ذوالقرنین و جستن آب حیات

بعضی عارفان در معنی این آیت گفته اند: راه بزرگان نارفته، حال بزرگان خواهی؟ بادیده مجاهدت راه نبری، کعبه مواصلت خواهی؟ محنت دوستان نادیده، دولت دوستان بینی؟ تو پنداری قلم عهد بر جان عاشقان آسان کشیدند؟ یارقم دوستی بردل ایشان به رایگان زدند؟ در حالیکه آنان بهر چشم زدن، زخمی به جان و دل خورده اند و شربت زهر آلود چشیده اند، لیکن نه هر کس سزاوار زخم است، و نه هر جانی شایسته غم خوردن او است، رحمت خدا بر آن جوان مردان باد که جان خویش را هدف تیر بلای او ساخته اند، و بارغم او را بردل خویش محمل شناخته اند و آنگاه در بلا و اندوه چنین ترنم کنند:

گر بود غم خوردنت شایسته جان رهی      این نصیب از دولت عشق تو بس باشد مرا  
آری، زخم هر کس به اندازه ایمان او، و بار هر کس به قدر توانائی او، و هر کس را قوت تمام تر باروی گران تر این است سر بیش توانائی مردان بر زنان! که بار همیشه بر مردان است و کمال قوت و شرف، همت ایشان! و بار به قدر قوت یا به قدر همت کشند!

### تفسیر لفظی

۳۶- وَأَعْبُدُ وَاللَّهِ وَلَا تَشْرِكُ كُؤَابِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالنَّجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالنَّجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا. خدا را پرستید و هیچ چیز با وی شریک نگیرید و با پدر و مادر نیکوئی کنید و هم چنین با خویشاوندان و یتیمان و بی نوایان و با همسایه خویشاوند و همسایه بیگانه و رفیق هم سفر و با کسان راه گذر و مسافر و با بردگان خود به نیکوئی رفتار کنید که خداوند بنده خود ستا و نازکش را دوست ندارد!

۳۷- الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا مَرُّونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا. کسانی که به آنچه دارند بخل می ورزند و دیگران را هم به بخل وامی دارند و آنچه را که خداوند از فضل و عنایت خود به آنها داده پنهان می کنند، سرانجام اینان همان است که ما برای کافران عذاب دردناک آماده و مهیّا ساخته ایم.

۳۸- وَالَّذِينَ يَسْتَفْتُونَكَ آمَنُوا لَمْ يَلِدْكَ وَاللَّهُ لَا يُلِدُ شَيْئًا وَلَا يَكُنْ

الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا. وهم چنین کسانی که ماله‌های خویش را بر دیدار مردمان به طلب ستایش انفاق می‌کنند و بخدا و به روزستاخیز ایمان و اعتقاد ندارند و نیز کسانی که هم گام و هم ساز با دیوها هستند، بد همتا و بد هم نشینی دارند : ۳۹۰ - وَمَا ذَا عَلَيْهْم لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَانْفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا. چه زیان داشت برای ایشان اگر به خداوند و روزستاخیز ایمان می‌آوردند و از آنچه خداوند بآنان روزی داده انفاق می‌کردند؟ که خداوند به همه آنها و کارهایشان دانا است .

۴۰ - إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَدَّتْ حَسَنَةً يَظْعَفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا. خداوند به اندازه یک ذره سنگ بکسی ستم نکند و مزد کار نیک دو برابر کند و از سود خود نیز مزد بزرگی به نیکوکاران دهد، همانگونه که ستم‌گران را هم کیفر بزرگ دهد .

### تفسیر ادبی و عرفانی

۳۶ - وَأَعْبُدُوا اللَّهَ. آیه . ابتدای آیت ذکر توحید است و توحید اصل علوم و سیر معارف و مایه دین است و بنای مسلمانان و حاجز میان دوست و دشمن است ، هر طاعتی که توحید با آن نیست آنرا از جبهی و وزنی نه ! و سرانجام آن طاعت جز تاریکی و گرفتاری نیست ، و هر معصیت که با آن توحید است حاصل آن جز آشنائی و روشنائی نیست . یکتا گوئی توحید مسلمانان است و یکتابینی توحید عارفان ، توحید مسلمانان ، دیورانند ، گناه شوید ، دل گشاید و توحید عارفان علائق برآرد ، خلائق شوید ، و حقایق آرد . توحید مسلمانان پند برگرفت ، در بگشاد ، بار داد ، و توحید عارفان رسوم انسانیت محو کرد ، حجاب بشریت بسوخت تا نسیم انس دمید و یادگار ازلی رسید و دوست بدوست نگرید .

توحید مسلمانان آنست که خدای را به یکتائی در ذات و پاکی در صفات و ازلیت در نام و نشان گواهی دهی ، خدائی که آسمان و زمین را جز او خدائی نه ، و در همه جا چنین وفاداری نیست ، خدائی که به شأن و قدر از همه برتر و به ذات و صفات بالاتر و از ازل تا ابد خداوند بزرگتر و والاتر است :

شیخ انصاری گفت : توحید مسلمانان میان سه جمله است : اثبات صفات بی افراط ، و نفی تشبیه بی تعطیل ، و بر ظاهر رفتن بی تخلیط ، حقیقت اثبات آنست که هر چه خدا گفت ، از خود بر بیان است ، و آنچه مصطفی فرموده ، از حق بر عیان است ، پس باید تصدیق و تسلیم در آن پیش گیری و بر ظاهر آن بایستی و آنرا مثل زنی و به خیال گرد آن نگریدی که آنچه در علم خدا آید در خیال نیاید و باید از تفکر در آن پرهیزی و تکلف و تأویل در آن نجوئی ، این است توحید که با آن به بهشت روند و از دوزخ برهند و از خشم حق آزاد شوند .

اما توحید عارفان که زینت صدیقان است نه کار آب و گل است و نه جای زبان و دل ، موحد عارف به زبان چه گوید که حالش خود زبان است ، توحید را چگونه تعبیر کند که با هر عبارتی عین بهتان است این توحید نه از خلق است بلکه آنرا از حق نشان است و در حقیقت رستاخیز دل و غارت جان است .

پیر طریقت گفت : خدایا ، عارف تورا بنور تو میداند و از شعاع وجود عبارت نمی‌تواند اموحد تورا به نور قرب می‌شناسد و در آتش میهر می‌سوزد ، از ناز باز نمی‌پردازد ! مسکین او که تورا به صنایع شناخت و درویش او که تورا به دلائل جست ، از صنایع آن باید جست که در آن گنجد ، از دلائل آن باید خواست که از آن زبید ؟ حقیقت توحید بر زبان خبر چگونه آویزد؟ و استدلال و اجتهاد چسان به آن پیوندد ، توحید عارف یافتن است در غفلت ، ناخواسته در آمده

وبنده با خود پرداخته و در مشاهده قریب و مطالعه جمع افروخته ، مهر آزل سود کرده و دوگیتی به زیان برده !

زیان جان گز از دیدارت آید      زیان جان بجان باید خریدن

پیر طریقت در این معنی گفت : خدایا ، نشان این کار ما را بی جهان کرد ، تا از تن نشان ما را هم نهان کرد ، دیده وری تو بنده را بی جان کرد ، و میهر تو سود و دوگیتی زیان کرد ، خدایا دانی به چه شادم ؟ نه آنکه به خویشتن به تو افتادم ، تو خواستی نه من خواستم دوست بر بالین دیدم چون از خواب برخاستم .

موسی در طلب آتش می شد و بی خبر آفتاب دولت بر او تافت ، محمد مصطفی در خواب بود که بشارت آمد و گفت : بیا تا مرا بینی من خریدار توأم ، تویی من چند نشینی ؟ نه موسی به گفتار طمع داشت نه محمد به دیدار ، پس یافت در غفلت است و جز این مپندار خدایا روشنی عزت تو بجای اشارت نگذاشت ، جلال وحدانیت تو راه اضافت برداشت ، ناره می گم کرد آنچه در دست داشت اونا چیز گشت هر چه او پنداشت خداوند از آن خود می فرود و از آن بنده می کاست ، تا آخر همان ماند بی کم و کاست !

محنت همه در نهاد آب و گل ما است      پیش از گل و دل چه بود آن حاصل ما است

آدمی با آن توحید از دوزخ برست و به بهشت رسید و با این توحید از خود برست و بدوست رسید !

... وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا. آیه. شرك به زبان شریعت آنست که باخدای معبودی دیگر گیری اوبه یکتائی

او اقرار نیآوری و شرك به زبان طریقت آنست که در کاینات موجودی دیگر به جز خدا بینی اوبا اسباب بمانی .

شیخ الاسلام انصاری گفت : ندیدن سبب نادانی است ولی با سبب بماندن شرك است اینکه خداوند در این آیت با ذکر لزوم نیکی با پدر و مادر ، یادی هم از همسایگان کرد و مراعات حقوق ایشان بنمود ، از آنجا است که همسایگان بسیارند و حقوق ایشان به اندازه نزدیکی و دوری آنهاست ، یکی همسایه خانه است و دومی همسایه نفس و سومی همسایه دل و چهارمی همسایه جان - همسایه خانه ، آدمیزاد است ، و همسایه نفس ، فرشته است ، و همسایه دل ، آرایش دانش است و همسایه جان ، حق تبارک و تعالی است .

رعایت حق همسایه خانه ، آنست که مراعات حال او کنی و بمواسات خویش پیوسته او را از خود خوشنود و آسوده داری ، حق همسایه نفس ، آنست که او را بطاعت خویش شاد داری و از گناه کاری او را اندوهگین نکنی ، حق همسایه دل ، آنست که معرفت و دانش خود را از شائبه بدعت و آلائش فتن و حیرت پاک گردانی و به لباس شریعت و پیرایه حکمت آراسته کنی ، حق همسایه جان آنست که اخلاق پاکیزه کنی و اطراف و جوانب را ادب کنی و خاطر پراز حرمت داری و قدم از دوگیتی برگیری و از خود باز رسته و حق را یکتا شوی !

لطیفه : گویند خداوند به مصطفی فرمود : ای محمد ، بامن باش آن چنانکه نبوده ای ، تا من با تو باشم آن چنانکه

بوده و هستم !

ای بس دوری که از تو باشد با من

تو با خودی از چه هم نشینی بامن ؟

کاندر ره عشق یا تو شمنجی یا من ؟

در من نرسی تا نشوی یکتائی

### تفسیر لفظی

۴۱- فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا . پس چه بزرگوار

روزی باشد که ما از هر گروهی پیغمبری را به گواهی بیاوریم و تو را هم بر این گروه گواه آوریم .



۴۲- يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّىٰ بِهِمُ الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا. در آن روز (گواهی)، کافران و نافرمانان پیغمبر دوست دارند اگر زمین را با ایشان هموار کنند و خاک شوند در آن وقت هیچ سخنی از خداوند پنهان ندارند.

۴۳- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا. ای کسانی که به اسلام گرویده اید، در حالت مستی گرد نماز نگردید تا آنکه بدانید چه می گوئید و چه می خوانید، هم چنین در حالت ناپاکی (جَنُوب) به محل نماز نروید مگر آنکه شست و شو (غسل) کنید، لیکن راه رفتن و گذشتن از مسجد در آن حال (بی نشستن و ایستادن) منعی ندارد. وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا. هرگاه بیمار باشید یا در سفر باشید و یا یکی از شما را حاجت آدمی آمده بود (و آبدست می باید کرد) و یا زنان را لمس کرده باشید و در آن حالات آب نیابید پس آهنگ خاک پاک کنید و با آن روی های و دستهای خودتان را بپاسید (مسح کنید) که خداوند درگذرنده و بخشنده و آمرزنده است؛

۴۴- أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ آوَتُْوا نَصِيحَاتٍ مِنَ الْكِتَابِ يَشَرُّونَ الصَّلَاةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ آيَاتِنِى نَغْرِى بَه أَنهَاءِ كَه از كِتاب آسْمَانِى بَهْرَه اى رَا دَارَنْد، چگونَه گمراهى بر رهنمونى مى خرنَد و مى خواهَنْد كه شما هم گمراه شويد؟

۴۵- وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ نَصِيرًا. و خداوند داناتراست از شما به دشمنانتان و خداوند یاورى پسنده و داورى بسنده است و شما را داورى و ياورى او كفايت مى كند.

۴۶- مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُخَرِّقُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَسْمَعُ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَرَاعَيْنَا لِيًّا بِأَنْسِنَاهُمْ وَطَعْنًا فِي الدِّينِ. از جمله يهوديان گروهى هستند كه سخنان خدا را از جاي خويش مى گردانند (تجريف مى كنند) و به زبان مى گويند شنيديم و در دل مى گويند (فرمان بردار نه ايم) و چون زرد تو آيند گويند بما نيوش (بشنوا) آنچه نيوشيده ايم (نشنيده ايم) و در دل مى گويند (شنونده مباد) و بر زبان عربى مى گويند (مارا رعايت كن) در حالى كه اين كلمه در عبرى سخن هجواست و در حالى كه زبان عربى را به زبان عبرى مى گردانند منظورشان طعنه به دين اسلام است. وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَسْمَعُ وَأَنْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمًا وَلَكِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا. و اگر آنها مى گفتند: شنيديم و اطاعت داريم و مارا نيوش و بما نگاه كن، هر آينه براى آنها بهتر و راست تر بود، لكن خداوند ايشان را بسبب كفرشان لعنت فرستاده و جز اندكى ايمان نخواهند آورد!

۴۷- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ابْتَغُوا مِنَّا مَصَدَّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَنْظِمَ سَ وَجُوهًا فَتَرُدُّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا أَوْ تَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا. ای کسانی که تورات بشما آوردند، به قرآن که ما فرو فرستادیم ايمان بياوريد پيش از آنکه روى هاى شمارا بستریم و آنها را واپس گردانيم (يعنى روى آنها را مسخ كنيم) يا ايشان را لعنت كنيم (يعنى بصورت بوزينه و خوك در آوريم) چون فرمانى كه خدا دهد، شدنى و بجا آوردنى است!

### ✽ تفسیر ادبی و عرفانی ✽

۴۱- فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ. آیه. بدانکه در عالم رستاخیز، بندگان خدای را مقامهای گوناگون و کارهای بزرگ در پیش است:

اول- مقام دهشت و حیرت، که مردم در حضرت پروردگار بپاخیزند.  
دوم- مقام سؤال و اظهار حاجت، که برای گروهی گواهی آماده است.  
سوم- مقام حساب و باز پرس، که در ترازوی عدالت کارهای مردمان را سنجند.  
چهارم- مقام تمیز و از هم جدا شدن، که گروهی به بهشت و گروهی به دوزخ روند.  
پنجم- مقام سیاست و هیبت، که خداوند در محشر با نفخه صور اسرافیل همه را حاضر کند، در آن حالت همه سرافکننده و بکار خود درمانده! گروهی روی به آدم کنند و گویند: ای کسی که خداوند تو را به دست قدرت خود آفرید و با تو سخن گفت و مسجود فرشتگان ساخت! باشد که ما را شفاعت کنی؟ آدم در جواب گوید: نه من مرد این کارم، که در خود درمانده ام! بروید تا نوح شمارا شفاعت کند، آن گروه نزد نوح روند و از او همان جواب شنوند و به همین گونه نزد ابراهیم و موسی و عیسی روند و همه بر همان منوال جواب شنوند! آنگاه همگی نزد مصطفی روند و شفاعت خواهند، مصطفی گوید: من نزد عرش خدا به سجود روم، از حضرت پروردگار ندا آید ای محمد چه خواهی؟ و خود دانای تراست بر آنچه می خواهم و گویم خداوند! ما را وعده شفاعت دادی اکنون می خواهم که آنرا از دهشت و حیرت برهانی و کار برگزاری و حکم کنی. و خداوند شفاعت او را قبول و گوید: برو میان آنان بایست، تا ما در مقام برگزاری و رسیدگی بر آئیم و حکم کنیم.

ششم- مقام باز پرس و اقامه دلیل، در آن انجمن بزرگ و عرصه رستاخیز، ابتدا خداوند از پیمبران پرسد که: آیا شما دستورهای مرا به مردم ابلاغ کردید؟ همگی از نوح تا ابراهیم گویند: پیغام را رسانیدیم لیکن امتهای آنها انکار کنند! خداوند از پیمبران گواهی خواهد، آنان همگی امت محمد را گواه گیرند! امت محمد از روی آیات قرآن تکذیبهای آنان را گواهی دهند، خداوند از محمد گواهی برای صحت اظهارات امت او خواهد، محمد گوید: آنچه گفته اند آنست که تو خود در قرآن در وصف امت من فرمودی: که شما بهترین امتی هستید که مردم را بکار نیک امر و از کار بد نهی می کنید، خداوند گواهی امت محمد را پذیرفته، دوستان را مزد و ثواب و بیگانگان را کیفر و عقاب دهد. و خراب کاران مصداق این شعرند.

راست کاری پیشه کن کانداز مصاف رستاخیز

نیستند از خشم حق جز راست کاران رستگار

هفتم- مقام حساب رسی در برابر ترازوی عدل الهی، در مرحله حساب رسی مردمان سه دسته اند: گروهی که در نامه کارهاشان نیکوکاری نیست ایشان یک سر به دوزخ سرازیر شوند و گروهی که در نامه اعمالشان جز نیکوکاری و اطاعت نباشد آنان بی حساب یک سر به بهشت روند، گروهی در این میان بمانند که در دفتر کارهاشان، هم نیک است هم بدی هم طاعت هم معصیت! کارهای ایشان در ترازوی عدل بسنجند! اگر کفه طاعت سنگین تر است کلید سعادت و پیروزی جاودان به دست آنان دهند که آنان همگی رستگارند و اگر کفه معصیت سنگین تر است آنها هستند که گرفتار خسران و زیان و سزاوار کیفر و عذابند.

۴۳- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ. آیه. به نماز در حالت مستی نزدیک نشوید، آری، مستیها

متفاوت و مستان مختلفند! یکی مست باده، یکی مست غفلت، یکی مست دنیا دوستی، یکی مست خود پرستی! که این از همه مستها زیان آورتر است زیرا خویشتن دوستی اصل همه تاریکها است.

اگر صدار در روزی شهید راه حق گردی

هم از دو نان یکی باشی چو خود را در میان بینی

تو خود کی مرد آن باشی، که دل را بی هو خواهی؟

تو خود کی درد آن داری، که تن را بی هو ان بینی؟

آن کس که مست باده است در آن حال ترسان، و از بیم کيفر ارزان، عاقبت کار در آتش عقوبت سوختن و یا آرمزش خداوند، که خود گوید همه گناهان را می بخشد. اما آن کس که مست بخت نفس و خود پرستی است کار او پرخطر و مایه وی زیان و کار او براو تاوان و بیم فرقت جاویدان!

### ﴿ تفسیر لفظی ﴾

۴۸- اِنَّ اللّٰهَ لَا يَغْفِرُ اَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذٰلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَاَنَّ اللّٰهَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ  
فَقَدْ افْتَرٰى اِثْمًا عَظِيْمًا. خداوند شرک آوردن به او را نیامرزد و هر چه جز آنست و از آن فرودتری آمرزد و هر کس بخدا شرک آورد (یعنی برای او شریک بداند) دروغی ساخته و گناه بزرگی بر خود نهاده است.

۴۹- اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ يَزُكُّوْنَ اَنْفُسَهُمْ بِاللّٰهِ يَزُكُّوْنَ مَنْ يَشَاءُ وَاَلَا يُظَلَمُوْنَ فَتِيْلًا. نبینی کسانی که خود را پاک و بی عیب می نمایند؟ در صورتیکه خدا است که هر کس را که بخواهد پاک و بی عیب می نماید و ذره هم بر کسی وارد نمیشود.

۵۰- اَنْظُرْ كَيْفَ يَقْتَرُوْنَ عَلٰى اللّٰهِ الْكُذِبَ وَ كَفٰى اِثْمًا مُّبِيْنًا. درنگر که چگونه دروغ بر خدای می سازند در صورتیکه دروغ بستن بر خدای بزه آشکار است.

۵۱- اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ اٰتُوْا نَصِيْبًا مِّنَ الْكِتٰبِ يُؤْمِنُوْنَ بِالْحٰجِبٰتِ وَالطّٰغُوْتِ وَيَقُوْلُوْنَ لِلَّذِيْنَ كَفَرُوْا هٰؤُلَاءِ اَهْدٰى اَمِنَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا سَبِيْلًا. آیا نمی بینی و نمی نگری به کسانی که بهره ای از کتاب تورات به آنها داده اند لیکن بت پرست شده و به حجت و طاغوت می گروند و به کافران می گویند که آنان راه ترند و راست حکم ترند از آنان که ایمان آوردند!

۵۲- اَوَلَيْكُمُ الَّذِيْنَ لَعَنَهُمُ اللّٰهُ وَاَمِّنَ يَلْعَنُ اللّٰهُ فَلَئِنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيْرًا. ایشانند که به لعنت خداوند گرفتار هستند و هر کس که مورد لعنت خدای واقع شد تو هرگز برای او یار و یاورى نخواهی یافت!

۵۳- اَمْ لَكُمْ نَصِيْبٌ مِّنَ الْمُلْكِ فَاِذَا لايُؤْتُوْنَ النَّاسَ نَصِيْرًا. آیا ایشانرا از پادشاهی و ملک داری بهره ایست؟ که اگر ایشانرا چنین بهره ای بود کوچکترین چیزی از مال خود به کسی نمی دادند هر چند بقدر پوست هسته خرما باشد!

۵۴- اَمْ يَحْسُدُوْنَ النَّاسَ عَلٰى مَا اٰتٰهُمْ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ فَقَدْ اَتَيْنَا آلَ اِبْرٰهِيْمَ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ وَاَتَيْنَاهُمُ مَّلَكًا عَظِيْمًا. آیا بر مردمان حسدی برند برای آنچه که خدای به آنان تفضل کرده؟ و ما پیش از آنها به خانواده ابراهیم کتاب و حکمت و پیغام و دانش و مملکتی بزرگ دادیم.

۵۵- فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَكَفَىٰ بِيَجْهَنَّمَ سَعِيرًا . از ایشان کسانی بودند که ایمان آوردند و کسانی هم بودند که از ایمان برگشتند و ناگرویدگان را آتش دوزخ بس است .

۵۶- إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا كَلَّمًا تَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا . کسانی که به آیات و نشانیهای ما کافر شدند بزودی آنانرا به آتش سوزان برسانیم و هر قدر که پوستهای آنان پخته و سوخته شود پوست تازه ای بدل آن کنیم تا مزه عذاب را بچشند که خداوند توانا و دانا و با عزت است .

۵۷- وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَّهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا ضَلِيلًا . کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک کردند آنانرا به بهشت بجاویدان که آنها از زیر درختان آن جاری است، وارد می سازیم و آنانرا بجفتهای پاک و بی عیب است و آنها را در سایه خنک در آوریم .

### ❁ تفسیر ادبی و عرفانی ❁

۴۸- إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ . آیه . شرك دو گونه است شرك عام و شرك خاص ، شرك عام بزرگتر ، و شرك خاص کوچکتر است و شرك بزرگتر آنست که کردگار عظیم و صانع قدیم را شریک گویند، اورا مانند و همتا دانند یا به چیزی از خلق مانند کنند ! این گونه کسان خدا پرست نیستند بلکه آنان بت پرستند ! چه که اعتقاد درست و دین پاک آنست که خدای جهانیان و آفریدگار همگان پاک و منزله از انباز و ازجفت و از فرزند دانند، که نه خود زاد و نه کس اورا زاد ، از حدود و تغییر و ولادت آزاد، از هر عیب مقدس و مبرأ، در صفت پاک، در صنع زیبا، در گفت شیرین، در مهر تمام، در صفت از عیب پاک و در کردار از لغو پاک ، و در گفت از سهو پاک و در مهر از ریب پاک ، خدائی که از اوهام بیرون و کس نداند که چون، خدائی را سزا، و از عیب جدا و در ذات و صفات بی همتا، هر کرا این اعتقاد باشد از شرك اکبر پرست و به ایمان پیوست . اما شرك کوچکتر دو گونه است برای دو گروه : مؤمنان را ریا در عمل است و ترك اخلاص در عمل ، و عارفان را التفات و توجه در عمل است و طلب خلوص به آن و اثر این گونه عمل ها این است که ایمان مؤمنان کاسته شود و در یقین آنان خلل راه یابد و در روشنائی بروی دل آن بسته شود، که مصطفی فرمود: من برای امت خود از شرك کهن می ترسم ! پرسیدند: آن کدام است؟ گفت: آنکه عمل کند و در عمل اوریا باشد ! نیز در آن معنی در جای دیگر مصطفی فرمود : برای امت خود می ترسم اگر شرك آرند ! نه آنکه بت پرستند ، یا آفتاب و ماه پرستند ، لیکن می ترسم که عبادت به ریا کنند و خلق را بخود در آن عمل شریک سازند ! که خداوند فرموده : هر که عملی کرد و دیگری را بامن در آن انباز گرفت ، من از همه انبازان بی نیازم و جمله آن عمل به انباز دادم .

حضرت علی امیر مؤمنان مردی را دید . سر در پیش افکنده یعنی پارسایم ! اورا گفت: ای جوان مرد، این پیچ که در گردن داری در دل آر، که خدای در دل می نگرد ، پس بدان که در روز ستاخیز ریا کاران را گویند : نه شما آید که متاع دنیا به شما ارزانتر فروختند ؟ نه آید که مردمان بر در سرای شما ایستادند ؟ نه آید که ابتدا بشما سلام کردند ، اینها در جزای اعمال شما بود که بشما رسانیدیم و امروز دیگر شما را حتی نماند .

سفیان ثوری عارف معروف و بزرگوار را گویند : روزی در خانه وی هیچ خوراکی نبود ! آخر روز مردی دو بسته

پول نزد وی آورد و گفت: که دانی پدرم تورا دوست بود و در معیشت متورع، ذین میراثی است که از وی بازمانده و چنان دانم که حلال است و در آن هیچ شبهتی نه، چه باشد اگر قبول کنی و مرا بدان شاد گردانی؟ عارف گفت: خداوند تورا باین همت نیکو ثواب دهد اما من قبول نکنم که آن دوستی من با پدرت برای خدا بود و روا نباشد که در برابر آن عوضی ستانم. این است درجه متورعان، و طریق پارسایان و برتر از این درجه عارفان است و شرک کوچکتر در حق آنان این است که پس از اخلاص در طاعت و صدق در عمل، اگر چشمشان در آن عمل خالص آید، یا طلب ثواب آن بخاطرشان فراز آید، یا رستگاری خویش را در آن عمل ببینند، همه آنها در راه دین خویش شرک شمرند و از آن توبه کنند.

۴۹- اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ يَزُكُّوْنَ اَنْفُسَهُمْ . آیه . در برابر این قوم یهود، قومی از بندگان خدا هستند که خود را نستایند و تزکیت مردم را نه پسندند و در عمل خویش ننگرند و روش خود را وزنی نهند و از هر پستی خود را پست تر دانند.

پرسید مرا دوست که آن قوم که بودند  
گفتم: چه نشان پرسی زان قوم که ایشان؟  
کز خلق جهان گوی حقیقت بر بودند  
خود را بخود از روی نمودن نمودند

آری، بردگاه حکیم هر قدر خود را ذلیل تر داری عزیز تر شوی، آن ذل تو از دوست نه نومییدی است که آن گواه راستی و درستی است.

پیر طریقت گفت: الاهی، فریاد از این خواری خود، که کسی را ندیدم بزاری خود، الاهی از حسرت چندان اشک باریدم که به آب چشم خویش تخم درد بکاریدم، به امید اینکه سعادت ازلی دریابم، این همه درد پسندیدم، و ردیده من به یک بار بر تو آید در آن دیده خود را نادیدم.

... بَلِ اللّٰهُ يُزَكِّيْ مَنْ يَّشَاءُ . آیه . نشان کسی که تزکیت خدای در او رسد آنست که از صحبت پراکنده دلان که در راه بت پرستی فرو شدند باز رهد، و نیز ایشانرا بخود راه ندهد و تا نه پنداری که پرستنده بت آنها بودند که جبت و طاغوت را پرستیدند و بس، بلکه بدانی که هر کس با هوای نفس خویش بیامید و در بند مراد نفس بماند، او مرد طاغوت و بنده جبت است!

در خرابات نهاد خود بر آسود است خلق  
مهمزه بر هم زن یکی تا خلق را بر هم زنی!

پای بر نفس خود نهادن و هوای آنرا زیر قهر خود در آوردن ملکی بزرگ است که خداوند فرمود: به آنان ملکی عظیم دادیم و هر کس آنرا دارد بر اسرار خلق آگاه و از رازهای کشور و مملکت چیزی از او پنهان نمی ماند!

ابو عثمان مغربی عارف و اصل گوید: هر که حق را اجابت کرد، مملکت و پیرا اجابت کرد، یعنی چون در کشور حادثه ای روی دهد و چیزی فرادید آید، و پیرا از آن خبر دهند!

ابن برقی یکی از مشایخ بزرگ مصر و صاحب فراست بود، وقتی بیمار شد شربت آب او را دادند، گفت: نخورم که در مملکت حادثه ای افتاده تا بجای نیارم که چه افتاده آب نیاشام، چند روز آب نخورد تا خبر آوردند که قرامطه (۱) در حرم کعبه افتاده و خلقی را بکشتند و بسی خرابی کردند!

شیخ انصاری گفت: عبودیت بیش از این بر نتابد که بعضی داند و بعضی نداند که خدا فرمود: بر غیب او احدی آگاه نمیشود جز آنکس از فرستادگان و گفته اند: مُلْكٌ عَظِيمٌ مَعْرِفَتِ مُلْكٍ عَظِيمٍ است که هر کس او را شناخت مُلْكٌ دُوْجِهَانَ يَافَتْ!

(۱) گروهی از مسلحین بودند که خود را به طایفه اسماعیلی منسوب داشته ولی مفسد و خراب کار و غارت گر بودند.

پیر طریقت گفت: الاهی چون من کیست که این کار را سزیدم؟ اینم بس که صحبت تو را ارزیدم! جز خداوند مفرمای که خوانند مرا سزد این نام کسی را که غلام تو بود

### ﴿ تفسیر لفظی ﴾

۵۸- اِنَّ اللّٰهَ يٰۤاَمْرُكُمْ اَنْ تُوَدُّوا الْاٰمٰنٰتِ اِلٰى اَهْلِهَا وَاِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ اَنْ تَحْكُمُوْا بِالْعَدْلِ اِنَّ اللّٰهَ نَعِيْمٌ يَّعْظُمُكُمْ بِهٖ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ سَمِيْعًا بَصِيْرًا. خداوند فرمان می‌دهد که امانات مردم را به صاحب امانت رد کنید و چون میان مردمان حکم کنید پس باید به داد و انصاف حکم کنید و خداوند شما را به خوب چیزی که همان عدل است پند و اندرزی دهد، بدرستی که خداوند شنوا و بینا است.

۵۹- يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اطِيعُوْا اللّٰهَ وَاَطِيعُوْا الرَّسُوْلَ وَاُوْلِي الْاَمْرِ مِنْكُمْ فَاِنْ تَنٰزَعْتُمْ فِيْ شَيْءٍ فَرُدُّوْهُ اِلٰى اللّٰهِ وَالرَّسُوْلِ اِنْ كُنْتُمْ تُوْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ وَّاَحْسَنُ تٰوْبًا وَّيْلًا. ای گروهندگان، خدا و پیغمبر او و صاحبان امر را فرمان برید، پس اگر در چیزی از امور دین باهم اختلاف داشتید، بخدا و رسول باز برید، اگر بخدا و بروزرستانخیز ایمان دارید آن روش برای شما بهتر و نیکوتر سرانجام است.

۶۰- اَلَمْ تَرَ اِلٰى الَّذِيْنَ يَزْعُمُوْنَ اَنْهُمْ اٰمَنُوْا يَمٰا اُنزِلَ اِلَيْكَ وَمَا اُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيْدُوْنَ اَنْ يَتَحٰكَمُوْا اِلٰى الطّٰغُوْتِ وَقَدْ اُمِرُوْا اَنْ يَكْفُرُوْا بِهٖ وَيُرِيْدُ الشَّيْطٰنُ اَنْ يُّضِلَّهُمْ ضَلٰلًا بَعِيْدًا. آیا نمی‌بینی آنان که گمان می‌کنند که ایمان آورده‌اند به آنچه به تو (ای محمد) و فرستادگان پیش از تو فرود آورده شده (با این حال و گمان) داوری را نزد بت می‌خواهند در صورتیکه مأمور بودند که به بتها کافر شوند ولی شیطان می‌خواهد که آنها گمراه شوند گمراه شدنی دور از حق و حقیقت!

۶۱- وَاِذْ اَقْبَلْ لَهُمْ تَعٰلَوْا اِلٰى مَا اَنْزَلَ اللّٰهُ وَاِلٰى الرَّسُوْلِ رَاٰتِ الْمُنٰفِقِيْنَ يَصُدُوْنَ عَنْكَ صُدُوْدًا. چون به آنها گفته شود که بسوی قرآن و رسول خدا آئید، می‌بینی منافقان را که چگونه برمی‌گردند از تو برگشتنی!

۶۲- فَكَيْفَ اِذَا اَصَابَتْهُمْ مُّصِيْبَةٌ بِمَا قَدَّمْتْ اَيْدِيْهِمْ ثُمَّ جٰۤاؤُكَ يَحْلِفُوْنَ بِاللّٰهِ اِنْ اَرَدْنَا اِلَّا اِحْسٰنًا وَّاَوْتُوْا فَيَقُوْا. چون بود آنگاه که بایشان مصیبتی رسد که دستهای خودشان از پیش برای آنان آماده ساخته! در آنوقت نزد تو آیند و به خدا سوگند یسار کنند که آنچه گفتند یا کردند جز نیکویی و وفاق نمودن میان دل و زبان، اراده و قصدی دیگر نداشتند!

۶۳- اُوْلٰئِكَ الَّذِيْنَ يَعْلَمُ اللّٰهُ مَا فِيْ قُلُوْبِهِمْ فَاَعْرَضْ عَنْهُمْ وَعَظِّمْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِيْ اَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيْغًا. آنان کسانی هستند که خداوند از دلهایشان آگاه است، پس از ایشان روی گردان و آنان را فراگذار و پند و اندرز ده و به آنها سخنی بگورسا و با اثر که در دلشان ژرف آید و کارگر شود؟

### ﴿ تفسیر ادبی و عرفانی ﴾

۵۸- اِنَّ اللّٰهَ يٰۤاَمْرُكُمْ اَنْ تُوَدُّوا الْاٰمٰنٰتِ. آیه. خداوند مهربان، کارساز بندگان، می‌گوید: امانتها که به دمت خویش است به صاحبش برگردانید و در آن تصرف نکنید و از خیانت در امانت پرهیزید و بدانید که بعد از

ایمان و معرفت، بنده را هیچ صفتی بالاتر از امین بودن نیست و بعد از کفر، صفتی بدتر و پست تر از خیانت نیست. طاعت بنده از امانت رود، و معصیت از خیانت بود، خیانت مایه فساد و سرهمه نافرمانی، امانت رکن دین است و کمال توحید و صفت پیامبران و فرشتگان.

امانتها که قرآن و سنت بدان گویا است سه چیز است: یکی طاعت و دین که خداوند بر خلق عرضه داشت دیگر زنان که نزد مردان امانتند که پیغمبر فرمود: زنان بعنوان امانت خداوند بگیرید؟ سوم مالی است که نزد کسی پنهانی یا رازی به او بگویی، که خداوند فرمود باید مال به اهلهش برگردد و پیغمبر فرمود که مجالسها به امانت است و اگر کسی بشما یعنی سپرد امانت بود که باید بشنوید و در دل نگاهدارید و آنچه ناگفتنی بود باز مگوئید.

گویند: خداوند گوش را گشاده و بی بند آفرید که اگر نخواهد و اگر نخواهد، گوش بشنود و در دل بداند و این شنیدن گوش و دانستن دل را بازخواستی نیست چون که در اختیار بنده نیست اما چشم و زبان را با درو بند آفرید که بتواند ناگزیرستیها ننگرد و ناگفتنیها را نگوید و شرط امانت در هر دو بجای آرد.

نیز گفته اند که در آخر عهد اسلام اول چیزی که از دین حنیف بکاهد و روی در حجاب رود امانت است که پیغمبر فرمود: اول چیزی که امت من از دست خواهد داد امانت است و آخر چیز نماز است!

این گونه امانتها که شرح دادیم از روی شرع ظاهر است و اما از روی اشارت و بر مذاق اهل طریقت، امانتها یکی اسلام است که در سینه مسلمان نهاده شده و دیگر ایمان است که در دل او ودیعت است و سوم معرفت است که در ضمیر او جای دارد و چهارمی محبت است که در سر او تعبیه شده، و هر یک از این امانتها را خیانتی در آن گنجد، خیانت در سینه و سوسه است که از شیطان رسد، خیانت در دل شهبندی است که از جهت نفس امّاره رسد، خیانت در ضمیر فساد و زنگ زدگی و تیرگی است که از جانب هوی و هوس رسد و خیانت در سر از دیدار فرشته است که تعبیه آن در سر، خیانت در امانت محبت است!

لطیفه: از جنید پرسیدند تعبیه سر چیست؟ گفت رازی است میان خدا و بنده که فرشته نداند که آنرا نویسد و شیطان نداند که آنرا فاسد و تباه کند و هوی و هوس نتواند آنرا بسوی خویش کشد.

دست دیواز سینه با ذکر حق کوتاه کن، دست نفس امّاره با مجاهدت و کوشش در راه حق کوتاه نما! که هر کس در راه حق مجاهدت کرد رهنمون خواهد شد، و دست هوی را بواسطه تسلیم برضای حق کوتاه کن، دست فرشته را از سر، با غیرت کوتاه کن که غیرت شرط دوستی حق است چنانکه مهر، رکن دوستی است، گهی مهر، پرده بردار تارهی درشادی و رامش آید و گهی غیرت پرده فروگذارد تارهی در خواهش آید، گهی مهر، در بگشاید تارهی به عیان نازد، گهی غیرت پرده در بندد تارهی در آرزوی عیان زارد!

کسی کورا عیان باید، خبر پیشش محال آید

چو سازد با عیان خلوت، کجا دل در خبر آید

۵۹- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا طِيعُوا اللَّهَ. آیه. صاحبان امر به زبان علم پادشاهان جهانند و به زبان معرفت، شاهان دین هستند و آنان پیران طریقتند که در هر عصری از آنان یکی باشد. یکی از بزرگان دین گفت: خضر (ع) را دیدم از روی پرسیدم که تو دوستان خدای را شناسی؟ گفت: آری، گروهی معدود شناسم! آنگاه چنین گفت: چون رسول خدا از دنیا رفت زمین به خدا نالید که بر من تا روز رستاخیز پیغمبری نرود! خداوند فرمود: من از این امت مردانی پدید آورم که دلهاشان

بردهای پیغمبران باشد و از میان آن مردان ۳۰۰ کس اولیاء هستند از میان آنها<sup>(۱)</sup> چهل کس ابدال و از میان آنها هفت کس اوتاد و از میان آنها پنج کس نقباء و از میان آنها سه کس مختار و یکی از میان آنها غوث باشد. چون غوث از دنیا برود یکی از آن سه نفر به مرتبت وی رسد و یکی از پنج نفر را با سه آورند و یکی از هفت نفر را با پنج آورند و یکی از چهل نفر را با هفت آورند و یکی از سیصد را با چهل آورند و یکی از اهل زمین که شایسته باشد با سیصد آورند که پادشاهان دنیا و آخرت ایشانند و به وجود آنهاست که خلق زنده شوند و می میرند و باران می آید و زمین سبز میشود و بلاء از مردم دفع می گردد! بدین گونه، که آنان زیاد شدن خلق و ریشه کن شدن ستم و سیراب شدن زمین و رویاندن گیاه و دفع همه بلاها را از خدا می خواهند و خداوند دعای آنان را قبول می کند.

لطیفه: یکی از بزرگان عرفا که ظاهر آ مرتبه غوث داشته ده روز پیش از مرگش به خدمت گار خود گفت: برو به خرقان (بسطام) شخصی گمنام و ناشناسی را می بینی سلام ما را به او برسان و بگو که این طبل و علم را به اذن و فرمان خدا به تو فرستادم و اهل زمین را بتو سپردم و من رفته ام... فَاِنَّ تَنَازَعْتُمْ فِيْ شَيْءٍ آيِه. اشاره به کتاب خدا یعنی قرآن است و رسول، مقصود محمد مصطفی است و این دو، اصل اعتقاد و عماد دین است و حقیقت دین کتاب و سنت پیغمبر است که باید خدای را با آن دو، بندگی کنی و صواب دید خیر خود را و گذار به او کنی! و پس رو مشیت او قرار دهی و پیروان کتاب و سنت آنها هستند که ایمانشان سمعی و دینشان نقلی است که نادر یافته پذیرفته و استوار گرفته و آنرا گردن نهاده اند و اهل تأویل که معنیها جسته و به ادراک حقیقت پیوستند و خواستند که بدانند و دریابند و کوشیدند که بدان رسند، فروماندند و نتوانستند اولی دوست داران خدا و اهل ایمان که چراغ داعی حق در پیش دارند، اگر چه در نیافتند ولی بنور هدایت بپذیرفتند و به سکینه ایمان بپسندیدند و به نیروی اخلاص بیارمیدند و آنرا دین دانستند و تهمت از سوی خود نهادند و عقل را عاجز دیدند، اینانند که قرآن حجت ایشان و سنت دلیل ایشان و تسلیم طریقت ایشان و نادر یافته دین و ملت ایشان و نور معرفت چراغ ایشان، آری، ایشان دوستان خدایند و حزب حق که هر آینه حزب حق رستگار است.

### ❁ تفسیر لفظی ❁

۶۴- وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا. ما هیچ فرستاده ای را نفرستادیم مگر برای آنکه به اذن خداوند او را فرمان برند و اگر آنان که بر خود ستم کردند نزد تو آمده و طلب آمرزش کرده بودند و تو برای آنان طلب مغفرت کرده بودی، هر آینه می یافتند و می فهمیدند که خداوند توبه پذیر و مهربان است.

۶۵- فَالَّذِينَ كَفَرُوا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ حَتَّىٰ يَكْفُكُمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّتُوا تَسْلِيمًا. نه، بخدای تو سوگو کنید، اینان بحقیقت نگر و دیده اند تا آنکه تو را حکم کنند در آنچه میانشان اختلاف است، پس از آن دردهای خویش حرج و تنگی و ستمی از آن حکمی که تو بریدی نه بینند و در باطن آنرا گردن نهند.

(۱) مرتبه شش گانه که از ولی آغاز و به غوث ختم میشود، مرتبه و مقام پیروان عرفان و طریقت است که ولی

و بدل و وند و نقیب و مختار و غوث نامیده شده اند.



۶۶- وَلَوْ اَتَاكُمْ كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ اَنْ اِقْتُلُوا اَنْفُسَكُمْ اَوْ اَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلْتُمْ اِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ وَلَوْ اَتَاهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاَشَدَّ تَثْبِيثًا . اگر ما برآنان می نوشتیم که خود را بکشید یا از خان و مان خود به دور شوید، نمی کردند جز اندکی از آنان و اگر ایشان به آنچه پند داده می شدند عمل می کردند برایشان بهتر و سخت تر و برجای مانده تر بود!

۶۷- وَاِذْ اَلَا تَيْنَاهُمْ مِنْ لَدُنَّا اَجْرًا عَظِيمًا . اگر چنان کرده بودند که ما دستور دادیم، هراینه از نزد خود مزدی بزرگ به آنان می دادیم!

۶۸- وَلَهْدَيْنَاهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا . و هراینه ایشانرا به راه راست رهنمائی می کردیم .

۶۹- وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا . هر کس خدا و رسول را فرمان برد ، فردا بانواختگان حق که خدا بایشان نیکوئی کرده از پیغمبران و راست گویان و برخیان و درست کاران محشورند و اینان بهترین و نیکوترین هم نشین هستند .

۷۰- ذَٰلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ عِلْمًا . این فضل از سوی خداوند است و نیک خدای دانا

بسنده است .

### تفسیر ادبی و عرفانی

۶۴- وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ . آیه . این آیت اشارت است به بزرگواری منزلت محمد نزد خداوند و خلعتی است از خلعتهای کرامت که خداوند به وی داد که واسطه را از میان برداشت و حکم او را با حکم خود برابر کرد تا آنکه رضا به قضای الاهی ، سبب یقین خداپرستان ، و رضا به حکم پیغمبر او ، سبب ایمان مؤمنان است و تا جهانیان بدانند که اطاعت از رسول اطاعت از حق تعالی است ، و فعل رسول وحی حق ، و بیان رسول راه حق ، و عمل رسول حجت حق ، و شریعت رسول ملت حق ، و حکم رسول دین حق ، و متابعت رسول دوستی حق است ، و حق فرمود : بندگان من ، اگر خواهید که شمار ابدوستی خود راه دم و به بندگی به پسندم ، برپی رسول ما زوید و کبر متابعت او را بر میان بندید و حکم ما را بی معارضت به جان و دل قبول کنید و تن فرا داده و دل سپرده و گردن نهاده و خویشتن را تسلیم آن حکم کنید و هیچ تنگی و حرجی بخود راه ندهید ، نمیدانید که کارها همه در پی ما بستند و این دوسرای در کوی ما پیوستند ؟ زهی رتبت و دولت ، زهی کرامت و فضیلت ، کرا بوده از عهد آدم تا امروز چنین فضل تمام و کار بنظام ا به عزت آسمانی و به فرخندائی ، رکن دولت شرع او در این گیتی عامر ، حکم وی عالی و نوای وی مستولی ، و در آن گیتی آوای وی متعالی . در هر دل از وی چراغی بر هر زبان از وی داغی ، در هر دل از وی نوائی و در هر سر از وی آوائی ، و در هر جان او را جائی ؟

از تو پنداری تو را لطف خدائی نیست هست بر سر خوبان عالم پادشاهی نیست هست ؟

۶۹- وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ . آیه . مفسران نوشته اند : ثوبان از صحابه خاص رسول بود و بواسطه دوستی و علاقه ای که به پیغمبر داشت بسیار نزار و ناتوان شده بود پیغمبر سبب پرسید ؟ و گفت مگر رنج بسیار بر خود می نهی که چنین نزار شده ای ؟ مگر آرزو مند باشی ؟ ثوبان از شنیدن این کلمه چشمش پر آب گشت و بزبان حال گفت :

چندم پرسی چرا رنجانی ؟  
 حقا که تو حال من ز من به دانی  
 هجران تو پیرایه غم خواری ما است  
 سودای تو سرمایه هشیاری ما است

غم من این است که در آخرت تو در بهشت اعلا هستی و ما از دیدار تو بازمانیم و این آیه در شأن او نازل شد .

﴿

### ﴿ تفسیر لفظی ﴾

۷۱- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا ثُبَاتٍ أَوَّانِفِرُوا جَمِيعًا . ای کسانی که ایمان آوردید حذر کنید از بازنشستن از دشمن و پرهیز خود گیرید و بیرون روید جوك جوك ، یا با هم همگی بیرون روید .

۷۲- وَإِنْ مِنْكُمْ لَمَنْ لَيُبَطِّئَنَّ فَإِنْ أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَالَ قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ إِذْ لَمْ أَكُنْ مَعَهُمْ شَهِيدًا . واز شما کسی هست (از سرکرده منافقان) که در کار جنگ گران و کند می کند و دیگران را باز پس می نشاند ! و اگر در جنگ بشما مصیبتی رسد ، می گوید : خداوند با من نیکوئی کرد که در روز مصیبت و جنگ با ایشان نبودم .

۷۳- وَلَئِنْ أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِنَ اللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَنْ لَمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا . و اگر از طرف خداوند فضلی یعنی فتحی یا غنیمی در جنگ بشما برسد مثل آنکه میان شما و او هیچ دوستی و عهدی و مودتی نبوده و خطائی و تخطی از او سرزده می گوید : کاش من با شما بودم تا به پیروزی آنان پیروز آمدی و بکام خویش میرسیدم !

۷۴- فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا . پس باید در راه خدا مقاتله کند و با دشمنان خدا بجنگد آن کسانی که دنیا به آخرت می فروشند و زندگی این جهان را به آن جهان بدل می کنند . چه این کسان که در راه خدا جهاد می کنند یا کشته میشوند یا پیروزی گردند ما بزودی به آنها مزدی بزرگوار می دهیم .

۷۵- وَمَالِكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ اهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا . شمارا چه میشود که از بهر خدا و از بهر آن بیچاره گرفتاران در دست مشرکان از مردان و زنان و کودکان جنگ نمی کنید که می گویند : خدا یا ما را از این شهر که مردمی ستم گر و کافر در آن هستند بیرون آر و از نزد خود ما را دست رسی ساز و از نزدیک خود ما را یاری و یآوری رسان .

۷۶- الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا . آنانکه محدا ایمان آورده اند در راه خدا جنگ می کنند ولی کافران در راه شیطان و بر مهربت جنگ کنند پس شما مؤمنان با نیک خواهان دیو بچنگید و بدانید که مکر و ساز دیو، سست و ناپایدار است !

### ﴿ تفسیر ادبی و عرفانی ﴾

۷۱- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا . آیه . این آیت از روی ذوق جوان مردان طریقت اشاره به فرار است و فرار بسوی مولی گریختن و درب پراکندنی و تفرق بر خود بستن و از هر دو جهان رهائی جستن است و این فرار دو قسم است یکی از خلق بگریختن و دیگری با حق گریختن ، اما از خلق گریختن کار آسانی است که این صفت عابدان و قاصدان است ، کار آن دارد که با حق گریزد و نه هر کس با حق تواند گریخت مگر کسی که عیان او را بار دهد و مهر او را برده بردارد و او را در کشف عزت خود جای دهد .

کسی از بایزید بسطامی پرسید: آن تیرحق که دلهای درویشان نشانه آن است چیست؟ بایزید گفت: این سؤال تورا نیست و تو اهل این سؤال نیستی! که این سؤال حضرتیان است و من به حضرت بودم و تورا ندیدم. آن کس گفت: بسیار در غلطی ای بایزید! من به درگاه بودم، عیان مرا راه داد، مهر پرده برداشت، واحدیت مرا در کنف خود جای داد، پس غیرت پرده فرو گذاشت و تو بر در بماندی! از حال من چه خبر داری؟ بایزید پرسید: این را نشانی هست؟ گفت: نشانش این است که اینک به درگاه می شوم اگر شغلی و مقامی داری بیار تا تورا پای مردی کنم! این بگفت و کالبد خالی کرد! بایزید گفت آه که غوث جهان بود اما در پرده غیرت بود و بزبان حال می گفت:

آوخ که دل آرام دلیم برد و گریخت  
بیمان بشکست و اسب هجران انگیخت  
تا دلبر و دل باز بچنگ آرم من  
بس خون که ز دید گمان فر و باید ریخت

گفته اند: نشان کسی که بامولی گریخت آنست که همت یگانه دارد و از تدبیر خود بیرون شود و تسلیم حکم گردد و این وصف آن جوان مردانی است که خداوند آنانرا مستضعف خواند که در دست مشرکان مکه گرفتار بودند، آنان همت خود را یگانه کرده و از همه کس دل برداشته و دل در حق بسته و به تقدیر حق راضی شده و از راه تحکم برخاسته و حکم حق را بجان و دل گرفته و بدان تن در داده، لاجرم حق تعالی ایشان را نیابت داشت و محمد و مؤمنان را فرمود: ایشانرا دریابید و از آزار دشمن برهانید و چون آنان در راه رضای ما می کوشند شما هم در راه خلاص ایشان کوشید، آری، با خدا هیچ کس زیان نکند.

کس در این کار ما زیان نکند  
کس ما کار فاکسان نکند!

که گفته اند: هر که روزی برای خدا گام برداشت، آن گام روزی او را فریادرس سازد و مزد او را ضایع نکند و به فضل خود به رحمت بیفزاید.

لطیفه: کسی از عارفی پرسید: چون همه کارها به تقدیر الهی است پس باید تسلیم بود و به هیچ حال به تقدیر در نتوان گذشت، پس فایده حذر که در آن آیه فرموده چیست؟ گفت: فرمان حذر دادن سبب آرام دل بنده و اطمینان خاطر او است نه برای آنکه دفع مقدر کند و این چنان است که عربی به مصطفی (ص) گفت: من شتر را در بیابان رها کردم با توکل بخدا - پیغمبر فرمود: زانوی او را به بند و توکل بخدا کن و بدان اینکه خداوند بنده را امر به حذر فرمود این خود از جمله قدر است و بیرون از تقدیر او نیست و حذر و احتیاط کردن بنده هم از قدر است!

۷۵- رَبَّنَا اخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ اَهْلُهَا . آیه . گویند مردی از شهری که اهل آن همه ستمگر بودند بیرون آمد و روبرو به شهری نهاد که در آنجا همه صالحان بودند . در نیمه راه فرمان حق به وی رسید و گرفتار چنگال مرگ شد در حال به زانو به خزید تا شاید چند قدم به شهر صالحان نزدیکتر شود، خداوند فرشته رحمت و عذاب هر دو فرستاد که به بینند این مرد به شهر نیک مردان نزدیکتر است یا به شهر بد مردان! پس از پیمودن معلوم شد کمی به شهر نیکان نزدیکتر بود، خداوند فرمان داد که او را به بهشت برند که ما را رحمت از کسی که بمانوکل کند و در راه ما رود دریغ نیست و آن کس که با وی عنایت ما است پیروزی و برانهایت نیست .

### تفسیر لفظی

۷۷- اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ قِيْلَ لَهُمْ كُفُّوا اَيْدِيَكُمْ وَاَقِمُوا الصَّلَاةَ وَاَتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ

عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً. آیانبی بینی ونهی نگری به کسانی که با آنها گفته شد دست از جنگ با کفار بردارید (چون هنوز فرمان نرسیده بود) و نماز گزارید و زکات دهید، پس از آن همینکه بر آن گروه قتال واجب آمد، جمعی از آنها از جنگ می ترسیدند مانند ترس از عذاب خداوند یا سخت تر و قالوا ربنا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا. وگفتند چرا (فراغت و امان از ما بپیردی) و بر ما جهاد کردن نوشتی چرا ما را باز نگذاشتی (در امن و فراغ) تا اجلی که خود نزدیک است برسد (چون تازه مؤمن بودند چنین گفتند) ای گواهی محمد بخورداری در این جهان اندک است و آن جهان برای پرهیزکاران از این جهان بهتر است و بر شما به اندازه چیز کوچکی ستم روا نخواهد شد.

۷۸- آيَنَ مَا تَكُونُوا يَدْرِكَكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ وَإِنْ تُصِيبَهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِيبَهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ قُلْ لَهِوَ الْعَالَمِينَ لَا يَكْفُرُونَ بِنَفْسِهِمْ أَحَدِيًّا. هر جا باشید مرگ به شما خواهد رسید هر چند در باروهای استوار باشید. و این گروه یهودان و منافقان چنان هستند که اگر نیکی این جهانی به آنان برسد می گویند: این از جانب خدا بمارسیده و اگر بدی این جهانی بآنها برسد می گویند این از تو است (محمد) بمارسیده (چون ایمان خالص نداشتند و تسلیم شدن به اسلام برای سود این جهانی بود) بگو بایشان خوب و بد این جهان همه از سوی خداوند است و همه به خواست و تقدیر او است و این قوم را چه رسیده که نمی خواهند سخنی دریابند!

۷۹- مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا. هر چه بتو رسد از خوبی این جهانی، همه اش از سوی خداوند است و آنچه بتو برسد از بدی این جهانی، ارزانی بودن تو و استحقاق تو است و ما تو را برای پیغام بردن و رسالت فرستادیم (نه برای بلا بازداری از خلق) و خدا گواه کافی است (برای دین خود و رسول خود).

۸۰- مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا. هر کس فرستاده خدا را اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده و هر کس نافرمانی کند، ما تو را برایشان نگاهبان (گوشوان) نفرستادیم. (مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ يُوْخَفِ بِالنَّاسِ فَقَدْ خَفِيَ بِالنَّاسِ وَمَا يَتَّقِ اللَّهَ فَمَا كَانَ لَهُ شَيْءٌ مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَسْأَلُونَ وَاللَّهُ بِكُتُبِهِمْ عَلِيمٌ) و تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا. گروهی از آن قوم (پیش تو) می گویند: فرمان بپیرداریم و چون از نزد تو بیرون شوند و باهم افتند گفتگوی شبانه آنان جز آن چیزی است که تو میگوئی! و خداوند آنچه را که ایشان در شبها می گویند می نویسد، پس از آنان روی برگردان و فراگذار و بخداوند توکل کن و کار به او بسپار، که خداوند کار پذیر و کارساز بسنده است.

### تفسیر ادبی و عرفانی

۷۷- أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقْبِلُوا لِيُحْكَمَ لَكُمْ بَعْدَ مَا كُنْتُمْ تُكْفَرُونَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْكٰفِرِينَ. و سالکان راه حقیقت می فرماید دستها از امور خویش بازدارید و خویشتن را از کارها بیرون آرید و بیک سر همه شغلها را به خداوند سپارید و به او بناز گذارید که اوست سازنده کاربندگان و مدبّر و مقدر کاردان، به سربازنده شغل ایشان

بی ایشان، دل دهنده توبه گاران، و پذیرنده عذر خواهان، و چندان منت است بر بندگان که، از اول بنده را رایگان بیافریند و چون پذیرد آورد، از آب و آتش و باد نگهدارد، به شنوائی و بینائی و هشیاری و دانش اندوزی بیاراید، و ایمان و معرفت بروی نگهدارد، پس آنکه چون کسی دست به مخلوق بردارد خطاب کُفُّوا اَیْدِیَکُمْ عَنْهُمْ آید که دست از مخلوق من فرودار و به خالق و گذار که خداوند با وفا و دهنده عطا و پوشنده خطا، و در مهربانی و کریمی بی همتا است.

منظور دیگر از آن آیت گفته اند این است که: دست از دنیا بازدارید و درب شهوات بر خود فرو بندید و مال و بجاه دنیا را بر اندازید، که آنچه حرام است لعنت و آنچه حلال است محنت، و آنچه فزونی است عقوبت است.

پیغمبر فرمود: دنیا ملعون است و سرای بی نوائی و بی دولتی است و طبل میان تهی و بساط فرومایگی است! خداوند چون دنیا را آفرید جز سه چیز، همه را لعنت فرستاد: اول یاد خدا که در دنیا است نه از دنیا، دوم مردم دانشمند که خلق را چراغ و شیطان را داغ است، سوم دانش جو و دانش آموز که در راه دانش اندر منزل طلب (طالب علم) است و از این رو فرمود: که فرشتگان بالهای خود را برای طالب علم پهن می کنند! این کسان نیز در دنیا هستند ولی از دنیا نیستند، از این گروه که بگذرد زینهار هرگز گرد دنیا مگرد که روی معرفت سیاه کند و جامه عصمت چاک گرداند، خبرنگاری که این دنیای دنی بر مثال عروس آراسته، بر طارم طراری نشسته و از شبکه شک و تردید بیرون می نگیرد و با تومی گوید:

من چون تو هز از عاشق از غم کشتم نالوده به خون هیچ کس انگشتم

علی مرتضی آن هژیر درگاه رسالت و داماد حضرت نبوت هرگاه که به دنیا برگزشتی دامن دیانت خویش را فراگرفتی و ترسان ترسان گفتی: ای دنیا دیگری را فریب ده که من تو را سه طلاقه کردم. گفتند باعلی، شگفتا که روان شیر مردان از بیم شمشیر تو همه آب گشت! چنین از دنیا می ترمی؟ گفت: شما خبرنگارید که این دنیا درخت خار آورا است، دست هوی و آزار بر کنار جوی عمر تو نشانده، اگر از آن دوری نکنی، خار آن در دامن عصمت تو افتد و پاره پاره کند، نشنیده ای که در آغاز کار که هنوز خار آن نیرومند نشده بود دامن عصمت آدم را درید؟ اکنون که خار آن قوت دار شده و روزگاری بر آمده با علی پسر ابوطالب خود چه کند!

از این جا بود که مصطفی فرمود: دوستی دنیا سرمایه هر گناه است، تادل بر آن کم نهند و حدت کنند و خداوند فرمود: متاع دنیا اندک است تا مردم بدان کمتر رغبت کنند و از آن پرهیزند و به متاع آخرت که همه نیکوئی و جوادان است پردازند. ۷۸- اَیْنَ مَا تَكُونُوا يُدْرِكْکُمْ الْمَوْتُ... آیه. از جوان مردی حکایت کنند که هر وقت این آیت را بر خواندی گفتی: آه از مرگ نفس، آه از مرگ دل، آه از مرگ جان، اگر در تن بمانم مرا چه توان؟ و درد را چه درمان؟ چون حال این است و کار چنین، چه بی کس که منم! بی سر و سامان که منم، خداوندا!

هم تو مگر سامان کنی، راهم بخود آسان کنی

درد مرا درمان کنی، زان مرهم احسان تو

کسی که نفسش ببرد از دنیا درماند، کسی که دلش ببرد از عقبی بازماند، کسی که جانش ببرد از مولی درماند! آن کس که نفسش مرد از خاتمان و فرزند بازماند، و آن کس که دلش مرد از انس و طرب بازماند، و آن کس که جانش مرد از خدای یکتا بازماند، پس دلهای عزیزان و صادقان از نیب این سخن و این سیاست خون گشت و ندانستند که درازل برای آنها چه رفته و در آینده کار آنان چون باشد؟

پیر طریقت گفت: برای کسانی بیمار خوردن سزاوار است که بواسطه غفلت از آزل خویش آگهی ندانند،

و بواسطه نادانی از آبد خویش هم بی خبرند! میان بوده و بودنی این چه خواب غفلت است؟ و آدمی را در میان دو موج آتش چه جای بازی است! |

یکی از صحابه پیغمبر از رسول خدا شنیده که فرمود: پس از آن که روح آدمی از جسد او بیرون شده و جان پاک از آرایش بشریت مرغ وار از قفس خاک بیرون آید و سوی عالم علوی قصد آشیان عزت کند، چون بر مرکز خویش قرار گیرد و یک هفته بر آید از آفریننده جهان دستوری خواهد تا آن منزل خاص خویش (یعنی تن) را باز بیند و حال وی باز داند و چون دستور یابد جان پاک به خاک در آید و از دور به کالبد خویش بنگرد که در لحظی تاریک افتاده، آنرا نه برنگت خود بیند و نه بحال خود، نه آن صورت زیبا، نه آن روشنی چشم، نه آن قد و بالا، نه آن جمال و کمال، نه آن سخنان دلربا می رسد؛ بجاست عیال و فرزندان که بهر ایشان بار کشیدی و رنج بردی؟ تا جای تو و حال تو را به بینند و عبرت گیرند! آن آرزوها چه شد؟ آن آرزوها بجا رفت؟ آن خانه و ساختمان چه شد؟ آن مالهای حرام و حلال چه شدند؟ برادران و دوستان تو بجا آمدند؟ آنها که باعث افتخار تو بودند بجا آمدند؟ تو را تنها در این لحد تاریک خوراک کرما قرار دادند! اگر تو را آن گونه که من دیدم به بینند دست از دنیا بردارند و بحال خویش بگردند! ای کاش تو را ندیده بودم! سلام بر تو باد!

### تفسیر لفظی

۸۲- أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا. آیا

نمی اندیشید در این قرآن که اگر از نزد غیر از خدا بود در میان آن اختلافهای زیادی می یافتند؟

۸۳- وَإِذْ اجْتَأْتَهُمْ آتْرُ مِنَ الْأَمْنِ وَالْخَوْفِ إِذْ دَعَاؤُهُمْ وَلَوْ رَدُّهُ إِلَيْنَا الرَّسُولِ وَإِلَىٰ أَوْلِيَ الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ الْأَقْلِيلَ. هرگاه بایشان خبری از ایمنی یا بیم می آمد، آنرا آشکار و بازگویی کردند! در حالیکه اگر متذکران قرآن که چیزی برایشان پوشیده می ماند، آنرا به رسول خدا و بعد از او با فقهاء دین و صاحبان امر و گذار می کردند و نزد آنها بازی بردند، و هر آینه دانایان و صاحبان استنباط از میان آنها می فهمیدند و می دانستند و بآنان می فهماندند، و اگر فضل و رحمت خداوندی بر شما نباشد شما همگی از شیطان پیروی می کنید! جز آنکه که به نیروی ایمان باقی بودند.

۸۴- فَفَاتِنًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَأَنْتَكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَ حَرَّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَكْفُفَ بِنَاسٍ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بِنَاسٍ وَأَشَدُّ تَنَكُّبًا. پس ای محمد! در راه خدا جهاد کن با دشمنان حق در راه حق و مؤمنان را بر جهاد برانگیز، امید است که خداوند زور و گزند کافران را از شما باز گیرد و خداوند از زور گرفتن و گزند نمودن و باز گرفتن سخت تر از کافران است.

۸۵- مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا وَمَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كَيْفٌ مِنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُقْتِبًا. هر کس شفاعتی نیکو برای کسی کند خود از آن نیکی بهره ای دارد و هر کس شفاعتی بد و ناپسند کند از وبال آن او را بهره ای است و خداوند به هر چیزی گوشوان و توانا است.

### تفسیر ادبی و عرفانی

۸۲- أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ. آیه، این آیت، اظهار عزت قرآن و نشر بساط توفیر کلام خدای جهان است،

کلامی که دل‌های عارفان را شفا است، اسرار آشنایان را ضیاء است، جانهای دوستان را غذا است، درد درماندگان را دوا است، کلامی که جانها را تذکیرت است و دلها را عدت، امروز وسیلت و فردا ذخیرت است:

مصطفی فرمود: هر کسی باید نخست به قرآن راه جوید تا قرآن او را برزاه دارد، که قرآن راه جویان را رهبر است و یار خواهان را یاور است، مؤمن که راه می‌جوید، قرآن او را براه صدق و حق میراند و بیگانه که راه جوی نیست لاجرم قرآن او را رهبر نه!

تدبیر و وقسم است: یکی اندیشه کردن آدمی در نفس خود و حال خود که آنرا تدبیر پند و موعظه گویند، دوم اندیشه کردن در قرآن که آنرا تدبیر حقیقت و مکاشفه گویند، اول صفت عامه مسلمانان است و دوم صفت عارفان است که ایشان را دیده مکاشفه دهند تا حجاب میان دل ایشان و حق برداشته شود و همه آرزوها نقد شود و آب مشاهدت در جوی ملاطفت روان گردد، دل از ذکر پُر، و زبان خاموش اسرا از نظر پُر، و خود را فراموش، و قمار فرشتگان دیده، ثبات ربانیان یافته، به سکینه صدیقان رسیده، که مرد تا به آنجا نرسد، او را در دریای جلال قرآن شدن و استنباط گوهرهای مکنون آنرا کردن نشاید و باید دانست که این درجه و مقام، علم اسرار حق است و این مردان صاحب اسرار اگر از ایشانی، دوست را وفاداری، و اگر نه تورا بارفتن با دوستان چه کار؟

ترو - سگرد سرا پرده اسرار مگرد / کوشش چه کنی که نیستی مرد تبرد!

اگر به تعریف ازلی و توفیق ربانی، بنده به آن مقام رسد که جلال عزت قرآن او را بخود راه دهد و اسرار پرده عموض از روی مشکلات فروگشاید، او را استنباط رسد که مصطفی او را دستوری داده و فتوی کرده، چه که: برخی علمها مانند در مکنون و گوهرهایی است که جز دانایان خدائی، آنرا نشناسند و پرده از روی پوشیده‌های آن بر ندارند!

### تفسیر لفظی

۸۶- وَإِذْ أَحْيَيْتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحْيُوا بِأِحْسَنٍ مِّنْهَا أَوْرَادُهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ شَيْءٍ حَسِيبًا.

هر کس شمارا نوازد (درود فرستد) شما او را به بهترین نواخت او را بنوازید یا با آن نواخت او را هم چنان باز دهید که خداوند بر هر چیزی نگهبان و هر کاری را پسندیده است.

۸۷- اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ

خَدِيثًا. خدائی جز خدای یگانه نیست و شما را تا به روز رستاخیز فراهم می‌آورد، آن روزی که هیچ شکستی در آن نیست و از خداوند راست سخن تر کیست؟

۸۸- قَالُوا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ أَرَّكَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا أَتُرِيدُونَ أَنْ تَهْتَدُوا مِنْ

أَضَلَّ اللَّهُ وَمَنْ يَضِلَّ اللَّهُ فَلَنْ يُضِلَّهُ اللَّهُ قُلْنَ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا. چه رسد شمارا در کار دو گروه منافق که خداوند آنها را باهمان کفر و نفاق به سبب آنچه بدی می‌کنند افکنده و خوار کرده؟ و آیا شما می‌خواهید کسانی را که خداوند (به سبب کارهای بدشان) آنها را گمراه کرده هدایت کنید؟ و هر کس که خدا او را گمراه کند، برای رهائی او راه و چاره‌ای نیابید!

۸۹- وَذُوالْوَالِئَاتُ كَفَرْنَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً قَالُوا لَتَنَخِذُوا مِنَّهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يَهْجُرُوا

فِي سَبِيلِ اللَّهِ. منافقان دوست دارند که شما هم در نهان کافر شوید تا با ایشان یکسان گردید، پس شما که مؤمنان هستید آنرا به دوستی نگیرید تا با رسول خدا در راه حق هجرت کنید. فَإِنْ تَوَلَّوْا فَطُغِدُوا وَهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ

وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا. پس اگر برگردند آنها را بگیرید (اسیر کنید) و هر جا آنها را یافتید بکشید و از آنها کسی را به دوستی و یاری مگیرید.

۹۰- اَلَّذِينَ يَصِلُونَ اِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ اَوْ جَاؤُكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ اَنْ يُقَاتِلُوكُمْ اَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللّٰهُ لَسَلَّطْنَاهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتِلُوكُمْ. مگر کسانی که باقی میان شما و ایشان پیمان است می پیوندند یا کسانی که نزد شما می آیند در حالیکه دلهای ایشان از جنگ با شما گرفته است که با شما یا با خویشان خود مقاتله کنند او اگر خدا بخواهد آنها را بر شما مسلط کند، هر اینه آنان با شما جنگ خواهند کرد که دلخواهشان است اِن اَعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَالْقَوَا اِلَيْكُمْ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللّٰهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا. پس اگر از شما کناره گرفتند و از کشتن شما باز ایستادند و سخن آشتی بمیان آوردند در این صورت خداوند شما را بر آنها نه راه گذاشته و نه دست!

۹۱- سَتَجِدُونَ اٰخِرِيْنَ يُرِيْدُونَ اَنْ يَأْتِيُوْكُمْ وَيَاْمَنُوْا قَوْمَهُمْ كُلَّمَا رُدُّوْا اِلَى الْفِتْنَةِ اُرْكَبُوْا فِيْهَا. آری قومی دیگر یابید که می خواهند از شما ایمن باشند و خویشان خود را هم ایمن گردانند و لکن هر وقت آنها را آزمایش کنند و فراق کفر یازند، آنان بسوی کفر گرویده و با کفر می آیند و می آمیزند فان لَمْ يَعْتَزَلُوْكُمْ وَيَلْقُوا اِلَيْكُمْ السَّلَامَ وَيَكْفُرُوْا اَيْدِيَهُمْ فَخَذُوْهُمْ وَاَقْتَلُوْهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوْهُمْ وَاُولٰٓئِكَ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطٰنًا مُّبِيْنًا. پس اگر از جنگ با شما کناره نگیرند و سخن صلح و آشتی بمیان نیاورند و دست از کشتن شما برندارند آنها را بگیرید (اسیر ببرید) و هر جا آنها را یافتید بکشید و ایشانند که ما شما را در ایشان حجت دادیم و در کشتن و گرفتن آنان دست شما را باز گذاریم و شما را با عدل ساختیم.

### تفسیر ادبی و عرفانی

۸۶- وَاِذْ اٰتَيْنٰكُمْ بِنَجْوٰتِكُمْ بِنَجْوٰتِكُمْ. آیه. خداوند در این آیت بندگانش را به آداب عشرت و صحبت تعلیم می دهد، که هر که آراسته ادب نباشد، شایسته صحبت نبود و آداب صحبت بر سه گونه است: یکی صحبت با حق است. به ادب موافقت دوم صحبت با خالق است. به ادب مناصحت، سوم صحبت با نفس است به ادب مخالفت و هر کس که پرورده این آداب نیست ویرا با راه حق هیچ کاری نیست و در درگاه پروردگار او را قدر و شأن نیست او خداوند اول مصطفی را به آداب آراسته کرد لاجرم شب معراج آن مقام یافت و با خلق خدا آداب صحبت نگه داشت تا در حق او فرمود: ای محمد! تو دارای خوی بزرگ و نیکو هستی، و اصول آداب صحبت در معاملات با حق آنست که در هر کاری عم بکار داری و شریعت را بزرگ داری و از آرزوها پرهیز کنی و از جای تهمت و گمان بر خیزی و در پرسش خداوند از سؤله و کاهلی دور باشی و خدا را به غفلت نام نبری و دین را به بازی نداری و در گفتار و رفتار و کردار و دیدار، ورع و خلوص کار فرمائی و هرگز از خود راضی نباشی و در هر حال توبه بر خود واجب دانی.

گویند: بایزید بسطامی در صفا و صدق خویش چنان از خود ناخشنود بود که گاهی تسبیح او این بودی که روی بخود کردی و با انگشت بخویش اشارت نمودی و گفתי: توجه کاره ای؟ تو پست دانه روزگاری یکی از صحابه پیغمبر (معاذ نام) در صفای دین خویش چنان از خود ناخشنود بود که به در خانه هاشمی و گفתי: بیائید یک ساعت با ایمان باشیم! پیر طریقت گوید: خداوند، یک دل پردرد دارم و یک جان پر زجر، خداوند، این بینچاره را چه تدبیر؟



بارخدا یا ، در ماندم نه از تو ، لکن در ماندم در تو ، اگر هیچ غایب باشم گوئی بجائی ؟ و چون به درگاه آیم ، در را نگشائی ؟  
 پروردگارا ، چون نومیدی در ظاهر اسلام حرمان است ، و امید در عین حقیقت بی شک نقصان ، میان این و آن رهی را  
 با توجه درمان است ؟ و چون شکیبائی در شریعت از پسندیدگی نشان است و ناشکیبائی در حقیقت عین فرمان است ، میان این  
 و آن رهی را با توجه برهان است ؟ خداوند ، هر کس را آتش در دل است و این بیچاره را آتش در جان ، از آنست که هر کس را  
 سر و سامانی است و این درویش را نه سر و نه سامان !

اما اصول آداب صحبت با خلق آنست که هیچ گاه نصیحت کردن و شفقت نمودن از هیچ مسلمانی باز نگیری و خود را  
 از همه کس کمتر دانی و حق همه کس را فرا پیش خویش داری ، و انصاف همه از خود بخواهی ، و به طریق ایثار و مواسات  
 و حسن خلق با خلق رفتار کنی و از خلاف و معارضه برادران و دروغ گو گفتن ایشان پرهیز کنی و به امروزی صریح از ایشان  
 در نخواهی و ایشانرا بمن درشت و پاسخ ناهنجار نگوئی .

کسی از ذوالنون مصری پرسید : با که صحبت و معاشرت کنم ؟ گفت : با کسی صحبت کن که مالک ندارد یعنی  
 آنچه دارد بخود ندارد و مال خویش نداند که هر جا خصومتی افتاده از آنجا افتاده که تو و منی در میان است ، و چون تو و منی  
 از میان برخیزد هیچ خصومت و دشمنی و جنگ نماند و هیچ حالی از احوال تو بر تو منکر نگردد و داند که نه معصومی تا عیب  
 بتورا نیابد ، و در دوستی انکار حال دوست خود محال است و دوستی آنجا است که انکار در میان نیست !

۸۷- اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ . آیه . شهادت به صورت نفی ، غایت اثبات است و نهایت تحقیق ، اشارت ارباب  
 معرفت آنست که نفی ( لا ) در اول کلمه ، نفی اغیار است و استثنای ( الا ) اثبات قادر قهار است یعنی تا اغیار را به تمامی از  
 دل بیرون نکنی ، حقیقت جلال کبریائی در دلت منزل نکند !

چو ( لا ) از صدرا انسانی فکندت در ره حیرت

پس از بود الاهیت به الله آی از ( الا )

حکایت کننده : مردی را زنی بود که یک چشم آن سپید بود و مرد بواسطه زیادی محبت از آن عیب بی خبر !  
 چون محبت کم شد ، زن را گفت : این سپیدی چشم کی پدید آمد ؟ گفت : آنگاه که محبت من در دل تو کم شد !  
 عارفی وارسته از شبلی پرسید : چرا همیشه الله گوئی و لا اله الا الله نگوئی ؟ گفت زبانم به کلمه جحد ( انکار )  
 روان نمی شود که گفتن آن کاری خبران است و فرو بستن دست و بی مروتی را نشان نخواهم که زبان خود را بدان نیالایم ،  
 عارف گفت : از آن بلند تر خواهم گفت : ترسم که به وحشت جحد فروروم و به عزت اثبات ترسم ! گفت : از این قوی تر خواهم  
 گفت : بگو الله و همه را فرو گذار ! شبلی گوید : آن وارسته مرد نعره ای بر کشید و کالبد از جان تهی کرد و گفت : در حقیقت  
 او روحی دوست داشت ، ناله کرد ، خوانده شد ، اجابت کرد !

... لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ . آیه . یکی از نام های خداوند ، جامع است و معنی این صفت آن  
 است که بهم آورنده آب و آتش است در یک سنگ و نماینده جهان فراخ است در دیده تنگ ، و بهم آورنده ضد ها  
 است در یک تن ، از گرمی و سردی و تری و خشکی او به هم آورنده جزء ها و عضو های گوناگون است در ساختمان تن آدمی ،  
 که همه در هم ساخته و بندها به هم پیوسته ، باز فردا به رستاخیز هم آرد ، و آن استخوانها و گوشت و پوست آدمی که ریخته  
 و در جهان ذره ذره پراکنده شده با هم جمع کند !

۸۸- قَالِكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ . آیه . از اینجا تا آخر آیه قصه ، رد منافقان است که ایشان ارباب درهم

برهمنده و حالتی بیمار و مبهم دارند، آرزوهای محال می کنند، مؤمنان را مانند خود می خواهند، ایمنی جان و مال خویش می طلبند | خداوند فرمود: اینان به دشمنان مانند و رضای ما در دل آنان نه در دنیا و در عقبی منزل نکند و ایشانرا نه پسندد، پس با آنها مخالفت و دشمنی کنید و معاشرت ننمائید و از آنان دوست و رفیق نگیرید |

### تفسیر لفظی

۹۲- وَمَا كَانَ لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رُقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا . روا و سزاوار نیست که مؤمنی مؤمن دیگر را بکشد مگر که خطائی افتد و هر کس که مؤمنی را به خطا بکشد کفاره آن آزاد کردن بنده مؤمن است و دیه تمام سپرده به اولیاء مقتول مگر آنکه آنها ببخشند . فَاِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رُقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَاِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ قَدِيمَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رُقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ قِضِيَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا . اگر کشته از گروهی است که با شما دشمن هستند و او مؤمن بوده باید یک بنده مؤمن آزاد کند (دیت ندارد) و اگر کشته از جماعتی باشد که با شما پیمان دارند باید دیت تمام سپرده به اولیاء او داد و یک بنده مؤمن را هم آزاد کرد، و کسیکه برده نیابد که آزاد کند باید دوماه پی در پی برای باز پذیرفتن از خدای تعالی روزه بگیرد که او دانائی است راست دانش .

۹۳- وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا . هر کس مؤمنی را عمدآ بکشد جزای او دوزخ جاویدان و خشم خداوند و عذاب بزرگ برای او است .

۹۴- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ آتَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا . ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که در سفر هستید نیک برسید و نگاه کنید و به کسی که بشما سلام کرد (و گفت مسلمانم) نگوئید تو با ایمان نیستی و غرض شما متاع این جهانی است که بدست آورید | فعند الله مغلنیم کثیرة کذلک کنتم من قبل فممن الله علیکم فتبیینوا | ان الله کان یبصرا تعملون خمیرا . پس بدانند که نزد خداوند غنیمت های بسیار است ، شما از پیش همین گونه بودید | پس خداوند بر شما منت نهاد (که مسلمان شدید) پس بر جای خویش باشید و برسید و روشن شوید که خداوند به آنچه شما می کنید آگاه است .

۹۵- لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ . نشستگان از جهاد (جراگوران) با مجاهدین که حال و جان خود را در راه خدا می دهند برابر نیستند . فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا . خداوند مجاهدین بمال و جانرا بر نشستگان از حیث درجه فرونی داده و به همگان وعده بهشت و مجاهدین را بر قاعدین مزدی بزرگ فرونی داده است .

۹۶- دَرَجَاتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا . آن فرونی و مزد ، درجات بهشت است و آمرزش و بخشایش، که خداوند آمرزنده و مهربان و عیب پوش است . . .

۹۷- اِنَّ الَّذِيْنَ تَوَلَّوْا اَنْفُسَهُمْ اَتْلُفَ عَلَيْهِمْ اَمْوَالُهُمْ اَوْ اَنْفُسُهُمْ اَوْ كِلٰٓمًا مِّنْهُنَّ اَوْ اٰرَاضٍ مِّنْ اَرْضٍ قَالُوْا اَلَمْ تَكُنْ اَرْضُ اللّٰهِ وَاَسِعَتْ فَاٰوَلٰٓئِكَ مَآءٌ وَّاهِبٌ مِّنْ جِهَنَّمَ وَاَسَآءٌ مِّنْ مَّصِيْرًا . اَنان که بر کفر مردند و فرشتگان آنانرا می میرانیدند در حالیکه ستم کار بر خود بودند، فرشتگان از آنان پرسیدند چه شد که شما به هجرت نیامدید؟ گفتند ما در مانده بودیم و گرفتار و توانستیم اظهار اسلام کنیم، فرشتگان گفتند: آیا زمین خدا بر شما فراخ نبود و وسعت نداشت که بان جاها هجرت کنید؟ آری ایشانند که در دوزخ جایگاه دارند و بدشدن گاهی است!

۹۸- اِلَّا الْمُسْتَضْعِفِيْنَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُوْنَ حِيْلَةً وَّلَا يَهْتَدُوْنَ سَبِيْلًا . جز مردان و زنان و کودکان نافته و کوفته و ناتوان که حیلتی را ندانند و راه هجرت نیابند.

۹۹- فَاٰوَلٰٓئِكَ عَسَى اللّٰهُ اَنْ يَّعْفُو عَنْهُمْ وَاَنْ يَّعْفُوَ عَنْهُمْ . پس ایشانند که امید است خداوند آنها را بخشد، که خداوند بخشنده و آمرزنده و مهربان است .

### تفسیر ادبی و عرفانی

۹۲- وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ اَنْ يَّقْتُلَ مُؤْمِنًا . آیه . خداوند در این آیت اظهار کرم خویش میکند و فضل و لطف خود را به بندگان می نماید، فعل خطا که بر ایشان رود، کار آن آسان فرامی گیرد و ایشان را عذری نهد، و نیز ایشانرا عاقله پذیری کند تا اگر جنایتی بر سبیل خطا افتد عاقله از ایشان تحمل کنند و آنها را در آن ورطه نگذارند و چنانکه در شریعت اسلام عاقله هر کس پدید است، در حقیقت هر قومی را عاقله ایست و محمد مصطفی عاقله مؤمنان است که تیار بر ایشان و عذر خواه آنان است و فر داهم شفیع آنها است .

بعد از محمد مصطفی (ص) چون بمقام اولیاء فرود آئی، خاصگان درگاه و شناسندگان الله، همگی عاقله مستضعفین و ناتوانان و بی نوایان استند و پیران و مشایخ طریقت عاقله مزید اند تا عیب ایشان بپوشند و بار آنان به دوش کشند.

۹۳- وَمَنْ يَّقْتُلْ مُؤْمِنًا مَّتَعَمَّدًا . آیه . هر که شفقّت و مهربانی از برادر مسلمان باز گیرد و به همت او را یاری ندهد و نصیحت نکند، ستمی است که در خون او میکند و ناچار بدین نامهربانی مأخوذ گردد و کمترین عقوبت و کیفر او این است که آنچه از مریدان و برادران خویش باز گیرد، هرگز از آنها برخوردار نشود .

به داود پیغمبر وحی آمد که ای داود، هر کجا طالی دیدی که لبیکک اجابت از میان جان و دل زده و جامه تجرید و نقره پوشیده و سر در بیابان امید ما نهاده، چاکر وار در رکاب طلب او برو، که از نزدیکان ما است، بدو تقرب جو، و در دل او جای ساز، که من بردل چنین کس برسم و هر کرا در دل وی بینم او را به دوستی خود برگزینم .

۹۴- اِذَا ضَرَبْتُمْ فِی سَبِيْلِ اللّٰهِ فَتَبَيَّنُوا . آیه . خداوند از روی اشارت فرماید: چون بسفری بیرون شوید، بدان قصد شوید که به دوستی از دوستان خدا در رسید نامونس روزگار و شاهد دل و جان شما باشد، و چندان که روید از طلب میاسائید و قدم جهد باز پس منبید که آنان خاصان درگاه عزتند و مقبول حضرت احدیت، نه هر کس بیندشان، و نه هر دیده ای در یابدشان! چون یافتید گوش دارید، چون دیدید ملازم کردید که روشنائی دل در مشاهدت ایشان است و سعادت ابد در صحبت آنان .

شیخ جنید را پرسیدند: دو رکعت نماز مستحب را بیشتر دوست داری یا گزاری یا یک ساعت مشاهده درویشان و دوستان خدا؟ گفت: یک ساعت مشاهده درویشان از پرا دیدن درویشان، دوستی خدا است که می گوید: بدست آوردن

دوستی خداوند عین فرض و فرض عین است و این چنین فرض و انگذاشتن و واجب را ترك كردن و به نافلة و مستحب پرداختن کار زیرکان و سیرت جوان مردان نبود!

۹۵- لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ آية . این آیت در مدح غازیان و مجاهدان و جان بازان در راه خدا و جلوه گری آنان در دوجهان بر عالمیان و ترغیب مؤمنان تا روز جاودان است . چنانکه در قرآن بسیارجا ذکر غازیان و اشارت به برتری آنان و ذکر اعمال و احوال و ثواب و درجات ایشان است . یکجا از ساز و برگ آنان (وَالْعَادِيَاتِ) یکجا از سلاح جنگیان (أَعِدُّوا لَهُمْ) یکجا از نفعه دادن غازی و وصف زدن غازی و نماز گزاران غازی و تعب او و توکل او و یاری او و شماره او و فدا کاری و مرگ او ذکر شده و از اجابت دعای او و رفع دشمن در حمایت خداوند سخن بیان آمده است ! شرف جنگ آوران و جان بازان در راه حق و حقیقت یکی آنست که چون صف کشند و در میدان معرکه بایستند، خداوند به فرشتگان خود فرماید: ای فرشتگان بنگرید بندگان مرا که از مال و ثروت و نعمت گذشته و باشمشیرهای آخته روی بمن آورده اند و در راه حق جان بازی می کنند اینان از کیفر گناهان در امانند و میان من و آنان حجابی نخواهد بود و حسابی از ایشان نخواهند خواست !

حضرت علی بن ابی طالب (ع) گوید : پیغمبر درباره فدا کاران راه حق چنین گفت : یا علی هر کس خانواده مجاهدین و جان بازان را تکفل کند در روز ستاخیز به گواهی فرشتگان مورد عنایت من واقع و نزد من منزلت خواهد داشت .

### ❁ تفسیر لفظی ❁

۱۰۰- وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَافِعًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا . هر کس در راه خدا مهاجرت کند ، زیست گاهی خوش و کام گاهی فراوان بافراخی در روزی خواهد یافت و هر کس از خانه خود برای مهاجرت بسوی خدا و فرستاده او بیرون رود و مرگ او را در یابد البته مزد او با خدا است ، که خداوند آمرزنده و مهربان است .

۱۰۱- وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلْيَسْ عَلَيكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمْ الْدِّينَ أَوْ الْقُرْآنَ أَوْ الْكُفْرَ أَوْ أَنْ يَكْفُرُوا بِكُمْ عَدُوًّا مُبِينًا . هرگاه مسافرت کردید بر شتابی و گرفتگی نیست که نماز را کوتاه گزارید در صورتیکه می ترسید از کافران بشما گزندی رسد ، چون کافران همیشه دشمن آشکار شما هستند .

۱۰۲- وَإِذَا كُنْتُمْ فِيهِمْ فَأَقِمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْيَتَّقِمُوا طَائِفَةً مِنْهُمْ مَعَكُمْ وَلْيَأْخُذُوا بِسَلِحَتِهِمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وِرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكُمْ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ . هنگامی که تو (ای محمد) در میان مجاهدان باشی و نماز برای آنان پدا داشتهی باید یک گروه با تو به نماز بایستند و ابزار جنگ را با خود بردارند ، هنگامیکه بسجده روند ، گروه دیگر عقب ایشان باشند (که مراقب دشمن باشند) و چون آنان از سجود فراغت یافتند گروه دیگر که نماز نگزارده اند باید با تو نماز گزارند و سلاح خود بگیرند تا از دشمن ایمن باشند . وَالدِّينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذَى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَى إِنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخَذُوا حِذْرَكُمْ إِنْ اللَّهُ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا . کافران دوست دارند که شما از سلاح

ومتاع خود غافل شوید و آنها بیک حمله بشما زیان رسانند. و بر شما تنگی و سختی نیست که هرگاه از باران رنج می برید یا بیچاره هستید، سلاح خود را کنار گذارید و احتیاط خود داشته باشید (تا از دشمن ایمن شوید) که خداوند برای کافران عذاب خواری نمای آماده کرده است.

### تفسیر ادبی و عرفانی

۱۰۰- وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ . آیه خداوند در این آیت از خود نشان رحمت میدهد و لطف خویش را با بندگان می نماید و مؤمنان را بر هجرت می خواند و آنانرا می ستاید. آری مهاجران سه گروهند: گروه اول بازرگانانند که از بهر دنیا هجرت می کنند و بازرگانی در پیش گیرند و روزی به دست آرند، هر چند این کار در شرع مباح است لیکن سرانجام آن معلوم نیست که چه شود و بکجا رسد؟ و این گونه مهاجران پیوسته در رنج و اندوه و گاه به دست دزدان گرفتار و در شرف هلاک هستند. گروهی دیگر زاهدانند که هجرت ایشان از بهر عقبی بود و روش ایشان از روی معنی باشد، منزلهای طاعتها پیمانند و مرحله های پرستش را بگذرانند، گاه حج کنند و گاه جهاد و گاه زیارت و گاه نماز و روزه و گاهی در ذکر نام خدا و در فکر نعمتهای او هستند، البته سعی اینان مشکور و در درگاه خداوندی مقبولند. گروه سوم عارفانند که هجرت ایشان برای خدا بود و هجرت در نهاد ایشان است که در پرده های نفس هجرت کنند تا به دل رسند، آنگاه در پرده های دل هجرت کنند تا بجان رسند و سپس در پرده های جان هجرت کنند تا به وصال جانان رسند!

گفتم: کجاست جویم ای ماه دل ستان؟ گفتا: قرارگاه منست جان دوستان!

مردی بایزید را گفت: چرا هجرت نکنی و به سفر بیرون نشوی تا مردم را فایده دهی؟ گفت: دوستم مقیم است به وی مشغولم و به دیگری نمی پردازم. آن مرد گفت: آب که یک جا ماند بگندد بایزید گفت: دریا باش تا هرگز نگندی! ۱۰۱- وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ . آیه حکم کوتاه کردن نماز در سفر است، هر چند که همه مردم را رخصتی و تخفیفی است لیکن اهل خصوص را چون از حضرت حق قهری و بعدی است، لاجرم ایشانرا عوضی باز داد، هم در سفر جواز برگذاری نافله ها بر مرکوب و راحله ها، یاد در حال پیاده روی بی شرط استقبال قبله، تابدانی که بدان درگاه حجاب نیست و بندی و منعی نه! و دستور مناجات با خدا بر دوام هست، چنانکه از روی اشارت میگوید: بنده من اگر قُرب می خواهی اینک درب گشاده و بار داده و اگر بعد می خواهی بر سبیل رخصت، اینک تور را رخصت، این است غایت لطف و کرم! ۱۰۲- وَإِذَا كُنْتُمْ فِيهِمْ . آیه در این آیت دلالت روشن است بر اینکه بنده تا یک نفس از اختیار با او بود حکم نماز از وی برنخیزد (سلب نشود) نه در حال امن، نه در حال خوف، نه آن یک ساعت که سلطان حقیقت بر او مستولی و در نقطه جمع بود، نه آن وقت که اجراء احکام شرع بر وی روان و او در صفت تفرقت است!

مردی نزد جنید آمد و گفت: فلان عارف چندین روز است در عالم وجد خود فرورفته، و لاهی عظیم او را گرفته، سلطان حقیقت بر او مستولی شده، همانا که بنقطه جمع رسیده! جنید پرسید: در وقت نماز چون است و چه میکند؟ گفت: چون وقت نماز آید تکبیر بندد و نماز بگذارد، جنید گفت: حمد خدا را که شیطان در او دست نیافته و راه بر او نزده، آن دقت او عین حقیقت و حرکت او جمال طریقت و نفیس او نقطه جمع است!

### تفسیر لفظی

۱۰۳- فَاِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَاِذَا اَطْمَأَنَّنتُمْ  
فَاَقِيْمُوا الصَّلَاةَ اِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ كِتَابًا مَّوْقُوفًا . چون نماز خوف را گزرا نیدید خدا را  
ایستاده (در تندرستی) و نشسته (در حال بیماری) و به پهلو (در حال ناتوانی) یاد کنید و همینکه آرام و ایمن گشتید نماز را بهنگام  
نخود بپادارید که نماز بر مؤمنان واجب بهنگام نوشته شده است .

۱۰۴- وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ اِنْ تَكُونُوا تَائِمُونَ فَانِهِمْ يَا لِمُونَ كَمَا تَائِمُونَ  
وَتَرَجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا . ودر جنگ با دشمن سستی مکنید و فرو نه ایستید، اگر  
شما از زخم درد دارید، آنها هم درد دارند مانند شما و شما امید یاری از خدا دارید که آنها ندارند و خدا دانا و همیشه درست  
دانش است .

۱۰۵- اِنَّا اَنْزَلْنَا لَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا اَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ  
لِلْخَائِنِيْنَ خَصِيْمًا . ما قرآن را به راستی و درستی (ای محمد) به تو فرستادیم تا میان مردم با آنچه خدا بتو ارائه داده  
داوری کنی و هرگز مدافع خیانت کاران و دروغ گویان مباش .

۱۰۶- وَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ اِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيْمًا . واز خداوند آمرزش بخواه که خدای بسیار آمرزنده  
و مهربان است .

۱۰۷- وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الدِّينِ يَخْتَانُونَ اَنْفُسَهُمْ اِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَّانًا اَثِيْمًا .  
واز کسانی که به نفس خویش خیانت می کنند دفاع مکن و داوری مدار که خداوند کز کاران بزه مندر را دوست ندارد .

۱۰۸- يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ اِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَىٰ  
مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيْطًا . (آنان) حقیقت را از مردم پنهان می دارند و نمی توانند از خداوند که  
همه جا و همیشه با ایشان است پنهان دارند و هنگام شب سخنان ناخشنود و ناپسندیده نزد خدا می گویند در حالی که خداوند  
به آنچه آنان می کنند دانا است و احاطه دارد .

۱۰۹- هَا اَنْتُمْ هٰؤُلَاءِ جَادَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَن يُّجَادِلُ اللَّهُ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ  
اَمْ مَنْ يَكُوْنُ عَلَيْهِمْ وَكِيْلًا . آنگاه باشید و گوش فرا دارید، شما که در زندگی دنیا از آنان دفاع کردید و داوری  
نمودید، آیا روز رستاخیز چه کسی از آنها دفاع خواهد کرد؟ یا کیست که وکالت آنان را در قیامت بپذیرد؟

### تفسیر ادبی و عرفانی

۱۰۳- فَاِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ . آیه . بدانکه نماز رازی است میان خدا و بنده که در این راز هم نیاز است  
و هم ناز، امروز نیاز است و فردا ناز، امروز رنج است و فردا گنج، امروز باری گران، فردا روح و ریحان، امروز رکوع و سجود،  
فردا وجود و شهود .

از شرف و مزیت نماز بر سایر عبادتها همین بس که خداوند در صد و دو جای قرآن ذکر کرده و آنرا سیزده نام نهاده: صلوة،  
قنوت، قرآن، تسبیح، کتاب، ذکر، رکوع، سجده، حمد، استغفار، تکبیر، حسنات، باقیات . و پیغمبر فرمود: نماز معراج

مؤمن است. و گفته اند نماز گزار را هفت کرامت است: هدایت، کفایت، کفارت، رحمت، قربت، درجت، و مغفرت. اول قدم از شرک بی نمازی است که خداوند روز رستاخیز به دوزخیان می گوید: چه شما را به اینجا افکند؟ می گویند ما از نماز گزاران نبودیم. هر کس این پنج نماز را بوقت خویش و با شرط بخواند، خداوند او را ثواب جمله اصول شرایع دهد. و هیئت نماز چهار است: قیام و رکوع، سجود و قعود، حکمت آن این است که جمله موجودات بر چهار شکلند: بعضی ایستاده اند چون درختان، بعضی کمان مانند هستند و خم شده چون ستوران، بعضی روی بر خاک نهاده چون حشرات، و برخی بر زمین نشسته چون گیاهان و خدا فرمود بنده مؤمن باید این چهار هیئت را بجا آورد تا ثواب پرستش همه حلق داشته باشد.

اینکه خداوند نمازها را در رکعتهای مختلف فرمود، از آن جهت است که بنده دارای دو قسمت است: یکی روان و دیگری تن، پس نماز دو گانه، شکر روح و جسم است، و در باطن آدمی سه گوهر است: اول دل دوم عقل سوم ایمان. نماز سه رکعتی شکر این سه خصلت است. و باز چون ترکیب آدمی از چهار طبع اصلی است نماز چهار گانه شکر این چهار طبع است (سعدی آنها را چهار طبع مخالف سرکش نام نهاده) و چون مؤمن از همه مطیع تراست و کار وی شریفتتر، و در چه وی نزد حق رفیع تر، باید بشکرانه آن همه نعمت، ۱۷ رکعت نماز گزارد

هر عبادتی که بندگان آرند و هر ذکری که فرشتگان کنند جمله در دو رکعت نماز جمع است: از جهاد و حج و زکوة و روزه ابدین گونه که چون مجاهدین راه حق به جنگ روند، نخست صف بندند و مبارزت کنند، این جهاد است، چون در جنگ با دشمن جولان کنند و چشم خیره کند و تکبیر گویند و در نماز هم احرام و احلال است، پس این مانند حج است - و چون زکوة پاک مال است از پلیدی، پس چون مؤمن غسل کند یا وضو گیرد بمنزله زکوة است و چون از خوردن و آشامیدن در نماز ممنوع است این روزه است.

### تفسیر لفظی

۱۱۰- وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا. هر کس کار بدی کند یا بر خود ستم کند پس از آن از خداوند آمرزش بخواد خداوند را آمرزنده و مهربان خواهد یافت.

۱۱۱- وَمَنْ يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبْهُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا. و هر کس گناهی کند، آن گناه بر تن خود کند و خداوند دانا و راست دانش است.

۱۱۲- وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيثًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا. هر کس خطائی کند یا بزهی مرتکب شود و آن را به آدم بیگناهی نسبت دهد، هر آینه بهتان و گناه و بزه ای آشکارا مرتکب شده است.

۱۱۳- وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ أَنْ يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا. اگر فضل الاهی شامل حال تو نبود (ای محمد) گروهی از جماعت (منافقان و کافران) قصد گمراهی تو داشتند و بتو هیچ زبانی نخواهند رسانید و خداوند بر تو قرآن و دانش راست فرود فرستاده و چیزی را که نمی دانستی بتو آموخته و تفضل خداوند بر تو بزرگ و همیشگی است.

۱۱۴- لَا خَيْرَ فِی كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ

وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا. بسیاری از رازگوئی آنها نیکوئی ندارد بجز آنکه آن رازها فرمان نفقه دادن یا کارنیک کردن یا اصلاح بین مردمان باشد و هرکس از این سه کار، به قصد خشنودی خداوند کند، ما مزد بزرگی به او خواهیم داد.

۱۱۵- وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا. و هرکس با فرستاده من مخالفت کند پس از آنکه راه راستی بر او روشن شد و راهی غیر از راه مؤمنان پیروی کند، ما او را فرآن کنیم که خواسته و فرآن دهیم که پسندیده و او را به دوزخ بسوزانیم و بد بازگشت گناه است.

۱۱۶- إِنْ اللَّهُ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا. خداوند شریک برای خود را هرگز نمی آمرزد و غیر از شرک، گناه هرکس که نخواهد می آمرزد، و هرکس بخدا شرک آورد و برای او انباز گویا شود گمراه شده و گم گشته دوری از هدایت است!

### ❁ تفسیر ادبی و عرفانی ❁

۱۱۰- وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا آيَه. خداوند جهانیان در این آیت بر بندگان توبت عرضه می دارد و امید عفو میدهد و بیگانه را از بیگانگی و گناه کار را از گناه باز می خواند و همه را به کرم خود امیدوار میسازد، به بیگانه می گوید: اگر از کفر باز ایستند، خداوند گذشته آنانرا می بخشد و گناه کار که عذری به زبان آورد و پشیمانی در دل آورد، بجای هر بدی آنها نیکی نویسد، کریم است خداوندی که پیوسته بندگانش را با خود می خواند و لطف می نماید و عیب می پوشاند و عطا می دهد و از بار گناه می کاهد، این همه بدان معنی می کند که بندگان از گناه کردن باز گردند و خدا را اجابت کنند و بهره ور شوند و نیک خدائی او را دریابند، و نیک خدائی او آنست که به آنان توفیق دهد تا دریابند و بنیاید تابینند و برخواند تا پایابند.

۱۱۱- وَمَنْ يَتَّكِبْ أَتَمًّا آيَه. این آیت اشارت است که خداوند از طاعت مطیعان بی نیاز است و از معصیت عاصیان پاک، نه از طاعت آنان وی را پیوندی درمی یابد و نه از گناه آنان مُلْكِت ویرا گزند می رسد، بنده اگر نیکی کند و طاعت آورد، تاج کرامت و عزت است که بر فرق روزگار خویش می نهد و اگر گناه کند، قید خواری و مذلت است که بر پای خویش نهد.

۱۱۲- وَمَنْ يَتَّكِبْ خَطِيئَةً آيَه. هر که عیب و عار خود را بردیگری بندد، خداوند او را در نظر مردم رسوا کند و بر درجه آن کس که بیگناه است بیفزاید.

آری، این عیب و هنر نه در توان و فعل آدمی است بلکه از روزگار قدیم و در عالم ازل بوده که هرکس به نطافت ایمان و طاعت پاک گشت، از آن سبب است که در ازل او را پاک کردند (یعنی استعداد پاک شدن داشت) و آن کس که به پلیدی شرک و گناه آلوده گشت هم در ازل (بسبب عدم استعداد) آلوده و پلید گشته است.

۱۱۳- وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ آيَه. منتی است که خداوند بر پیغمبر می نهد و تفضل خود را بر او اظهار می کند و او را در پرده عصمت می دارد و دست دشمن از او کوتاه می کند و به خصایص و فضایل ازلی او را می آراید و می ستاید.

۱۱۴- لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ آيَه. بهترین کارهای بندگان سه چیز است که در این آیت ذکر شده: صدقه، معروف، اصلاح میان مردم، و بهتری این سه عمل از این رو است که خوبی آن به دیگران هم میرسد زیرا عجب نیست



که برای خود دری برگشائی، و جوان مردی و عجب، آنست که برای دیگری دری بگشائی!

بوعلی سیاه گوید: چه آید از اینکه تو خود خوش شوی؟ کار آن دارد که کسی به تو خوش شود!

پیغمبر در این باب فرمود: بدترین مردمان کسی است که روزی خود را تنها خورد!

اما صدقه سه قسم است: یکی صدقه به مال، که مواسات با درویشان است در انفاق نعمت، دوم صدقه به تن، که قیام به حق است در خدمت مردمان، سوم صدقه به دل، که وفاداری به حسن نیت و توکید همت است با آنان، یک نوع صدقه بر توانگران است که برایشان جود کنی و نیازمندی خود را به آنان عرضه نکنی و از نیکوکاری آنان امید برداری! و چون این صدقه و آن معروف و آن اصلاح هر سه در یکی جمع شود، سر تا پا عین حرمت گردد و مقبول درگاه احدیت افتد و نامش به راستی برسد و بار استان محشور گردانند، این است آن مزد بزرگی که خداوند به آنان وعده داده است.

### تفسیر لفظی

۱۱۷- اِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اِلٰهٍ اِلَّا اِنۡثَا وَاِنْ يَدْعُونَ اِلَّا الشَّيۡطَانَ مَرِيۡدًاۗ اِنۡ يَّبۡرۡتَانۡ مِمۡ يَّسۡتَدۡعُوۡنَ  
جزمادگان (چون لات و منات) و نمی خوانند مگر شیطان ملعون رانده شده از درگاه!

۱۱۸- لَعَنَهُ اللّٰهُ وَقَالَ لَاۤ اَتَّخِذُۢنَّ مِنْۢ مِّنۡ عِبَادِكۡ نَصِيۡبًا مَّفۡرُوضًاۗ اِنَّ دِيۡوَانَۙ رَّانِدِهٖ دَرۡگَاهُ خَدَا  
گفت: من از بندگان تو بهره (باز برنده) و معینی به دست خواهم آورد.

۱۱۹- وَاَلَاۤ اَضَلُّنَّهٗمۡ وَاَلَاۤ اَسۡٔٔنَّهٗمۡ وَاَلَاۤ اَمۡرُنَّهٗمۡ فَلَیۡبۡیۡكُنَّ اٰذَانُۙ اَلَا نَعۡلَمُ وَاَلَاۤ مَرۡتَبَهُمۡ فَلَیۡغۡیۡرُنَّ  
خَلۡقَ اللّٰهِ وَاَلَاۤ اَتَّخِذُ الشَّیۡطَانَ وَاَلَاۤ اَمۡرًا مِّنۡ دُوۡنِ اللّٰهِۗ فَاۤ اَنۡتَ حَسِرۡتَ اِنۡمَّا مَبۡیۡنًاۗ  
از راه به در برم و آرزوهای آنانرا دراز کنم و به آنان فرمان خواهد داد تا گوشهای چهار پایان را ببرند و فرمان بآنان دهم که آفریده خدائی را دگرگون کنند. و البته هر کس که جز خداوند، دیورا دوست و یار پسندیده ای قرار دهد، زیانی آشکار و فراوان برده است (۱).

۱۲۰- یَعۡدُهُمۡ وَاَیۡمُنُهُمۡ وَاَلَاۤ اَعۡرُوۡرًاۗ  
شیطان وعده دروغ به آنها می دهد و آرزوهای ناپسند در ایشان می افکند در صورتیکه وعده های شیطانی جز غرور و مکر و فریب چیزی نباشد.

۱۲۱- اَوَلۡلَّیۡكُمۡ مَّا وَاۡیۡمُهُمۡۗ اَجۡهَنَّمۡ وَاَلَاۤ یَجۡدُوۡنَ عِنۡهَا حَیۡصًاۗ  
هرگز از آن رهائی نخواهند داشت. بجایگاه آن چنان مردم دوزخ است که

۱۲۲- وَاَلۡدِّیۡنَ اٰمَنُوۡا وَعَمِلُوا الصَّالِحٰتِ سَنُدۡخِلُهُمۡ جَنَّٰتٍ تَجۡرِیۡ مِنْۢ تَحۡتِهَاۙ اَلَاۤ نَهَارُ  
خَالِدِیۡنَ فِیۡهَاۙ اَبۡدًا وَاَعۡنَدُ اللّٰهُ حَقًّاۗ مِّنۡ اَصۡدَقۡ مِّنۡ اللّٰهِ قَبۡلًاۗ  
کسانیکه ایمان آوردند و کارهای نیکو کردند، آنها را در بهشتی آریم که از زیر درختن آن آنها روان است و در آنجا جاویدانند که وعده ای است حق از سوی خداوند و چه کسی از خداوند درست وعده تر و راست گوتر است؟

۱۲۳- لَیۡسَۤنَّ بِاٰمَانِیۡكُمۡ وَاَلَاۤ اٰمَانِیۡۙ اَهۡلِ الْکِتٰبِ مَنۡ یَّعۡمَلۡ سُوۡءًاۙ اَیۡجۡزِیۡهِ وَاَلَاۤ یَجۡدِ لَهٗ

(۱) کسی نزد پیغمبر از سوسه شیطان بنالید و شکایت کرد حضرت فرمود: در خانه خالی دزد نرود و شیطان

آنجا زود که ایمان و معرفت باشد و او دل خالی از ایمان و معرفت، کاری ندارد.

مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَيْسَ وَلَا نَصِيرًا. نه به آرزوهای شما، و نه به آرزوهای اهل کتاب است (یهود و نصاری) که خود را ودین خود را برتر می دانند (بلکه آرزوهای درست به عمل صالح است) و هر کس کار بدی کند کیفر آنرا یابد و اینان جز خداوند کارسازی و یاری را نخواهد یافت!

۱۲۴ - وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا. کسانی که کارهای نیک کردند چه مرد و چه زن چون با ایمان باشند همگی داخل بهشت شوند و به اندازه پوست هسته خرما بآنها ستم نخواهد شد.

### تفسیر ادبی و عرفانی

۱۱۷ - اِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ اِلاَّ اِيۡثٰنًا. آیه. عزیز است خدای یگانه، کردگار داننده، بی شریک و بی انباز، بی مانند و بی نیاز، در کردگاری قدیر، در کردانی بی مشیر، در پادشاهی بی وزیر، در خدائی بی نظیر، احوال بندگان را مدبّر، کارهای عالم را مقدر، نه در تدبیر او سهو آید، و نه در تقدیر او لغو آید، یکی را به آب عنایت شسته و چراغ معرفت وی از نور اعظم برافروخته و راهش روشن کرده. یکی را به تیغ هجران خسته، و نموده شیطان بر او آراسته، در پی بتان داشته که نمی خوانند غیر خدا را، جز مادگان و جز شیطان رانده درگاه! عجب کاریست کسی تراشیده خود پرستد، یا مصنوع خویش را به معبودی گیرد، اگر به جز خدا معبودی روا بودی، کافر معبود بت بایستی، نه بت معبود کافر! زیرا که بت مصنوع کافر است و او صانع و چون کافر که صانع بت است و با اراده و عقل و اختیار است، دعوی معبودی نمی کند! پس محال باشد بتی که نه حیات دارد، نه گوش شنوا، نه چشم بینا، نه عقل و نه اختیار و نه اراده، معبود باشد!

در آغاز اسلام بر کافران هیچ چیز سخت تر از آن نبود که محمد مصطفی گفتی: خدای عالم یکی است، کردگار جهان یکی است، آنها می گفتند: آیا چند خدا را یک خدا می داند! چگونه ممکن است همه کارهای جهان را یک خدا اداره کند؟ ما در مکه ۳۶۰ بت داریم و کار مکه تنها نمی توانند راست داشت! خداوند با حجت جواب داد که او خداوندی است که شب تاریک آفرید و روز روشن او آفتاب درخشیده و ماه تابنده و درخشنده! چه عجب اگر خالق همه آنها را یکی بسنده و قدرت او همه جهان را بسنده! خواهی که بنده ای دارد و یا مخلوقی دارد، همه ملک او باشند و روا نباشد که او ملک بنده اش باشد! چنانکه خداوند فرمود: بت ملک من، زمین ملک من، ملک من چگونه شود انباز من! و در قرآن چند جا از عیبهای بتها فرموده که: آیا آنها دست و پا دارند یا گوش شنوا و چشم بینا دارند؟ کسی که صفت کمال ندارد خدائی را چون شاید؟ جای دیگر فرمود: این بتها نمی توانند پشه ای بیافرینند، جای دیگر: حتی آنها را می خوانند، خواندن شما را نمی شنوند و اگر فرضاً بشنوند اجابت ننوانند!

۱۱۹ - وَلَا ضَلٰلٰتُهُمْ وَلَا مَنۡتٰبُهُمْ. آیه. حوالت ضلالت و گمراهی که بر ابلیس آمد از روی سبب آمد! ورنه خود ابلیس را ابلیس که بود؟ بلی و سوسه می نماید که پیشه وی این است، آنگاه از پی و سوسه، ضلالت آفریند که ضلالت و هدایت و سعادت و شقاوت همه از خدا است، که هر کس را اورهنائی کند راه یافته و هر کس او را گمراه کند راه گم کرده است! آنگاه عاقبت هر دورا بیان کرد و فرمود: آنان که گمراه شدند بجایشان دوزخ و آنانکه راه یافته شدند بجایشان بهشت جایودان است و اگر کسی گوید: حکمت آفرینش ابلیس چیست؟ جواب این است که:

حضرت علی (ع) فرمود: اگر نه ابلیس بودی، بوی محبت و مودت از دل مؤمن کی دمیدی؟ و نور معرفت

کی تالی؟ و بعد او ند اهلینس را بدان آفرید که تا او کار خود نکند، رحمت و آمرزش حق نمایان نشود. و باید رحمت و غفران خداوند ظاهر گردد، و هر چه او خراب کند، رحمت خداوند او را آبادان کند و هر چه او به غارت برد تیغ غفران از وی بازستاند و مزیدی بر سر نهد.

### تفسیر لفظی

۱۲۵- وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا. کیست نیکو دین تر از آنکه روی خود فرا خدا کرده و با خلق خدا نیکی کرده و از ملت ابراهیم پیروی نموده که خداوند ابراهیم را خلیل و دوست خود گرفته است.

۱۲۶- وَاللَّهُ مَلَفِي السَّمَوَاتِ وَمَلَفِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا. و آنچه در آسمان و زمین است از خدا است و او است که به همه چیز احاطه دارد و دانای همیشگی است.

۱۲۷- وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتِمَاتِي النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَن تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوُلْدَانِ وَأَن تَقُومُوا لِلنِّسَاءِ بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا. از تو فتوی می خواهند در کار زنها، بگو (ای محمد) که خدا شما را در کار زنان پاسخ می دهد و آنچه در (قرآن) راجع به دختران نارسیده پدر مرده که سهم مقرر است آنها را نمی دهید و میل دارید آنها را به زنی بگیرید بر شما می خوانند، و نیز از تو در مورد کودکان زبون و نارسیده می پرسند و راجع به اینکه درباره یتیمان با عدالت رفتار کنید و بدانید که آنچه کار نیک کند خداوند به آنها دانا است.

۱۲۸- وَإِن امْرَأَةٌ خَافَتْ مِن بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَن يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنفُسُ الشُّحَّ وَإِن تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا. اگر زنی از شوهر خود احساس بی میلی و کناره گیری یا زوی گردانی کند، ننگی و عیبی نیست که با هم به نیکی آشتی کنند و آشتی بهتر و نیکوتر است و چون مردم بخل و دریغ و حرص مال دارند (چنانکه اگر زنی دیگر مورد نظر شوی باشد، زن او به گرفتن مال از آن بخل و حرص منصرف میشود) پس اگر نیکوئی کنید و پرهیز کار باشید (و از هم جدا نشوید) خداوند به آنچه کنید آگاه و دانا است.

۱۲۹- وَلَئِن تَسْتَضِيعُوا أَن تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَكْفُرُوا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِن تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا. هرگز نخواهید توانست که میان زنان به عدالت رفتار کنید هر چند که بسیار میل به آن داد داشته باشید و کوشش کنید، لکن بکلی از آنان بی میل و روگردان نشوید که آنها را در حال آویختگی گذارید یعنی که نه بیوه است و نه شوهر دار. اگر آشتی کنید و نیکی نمائید و تقوی پیشه خود سازید خداوند آمرزنده و مهربان است.

۱۳۰- وَإِن يَتَمَرَّقَا بَعْضُ النَّاسِ مِنَ الْكُلَّامِ مِنَ سَعْتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا. و اگر زن و شوهر با هم نساختند و از هم جدا شدند، خداوند از فراخی و وسعه و گشایش خویش هر دورانی نیاز سازد که خداوند بخشنده و دانا است.

۱۳۱- وَاللَّهُ مَلَفِي السَّمَوَاتِ وَمَلَفِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ وَصِيَّتْنَا الَّذِي نَأْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنِ اتَّقُوا اللَّهَ وَإِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَلَفِي السَّمَوَاتِ وَمَلَفِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا.

و خدای راست آنچه در آسمانها و در زمین است و ما بکسانیکه پیش از شما کتاب داشتند و هم چنین بشما، اندرز دادیم که از خشم خدا برهیز کنید و اگر کفران نعمت کردید و کافر شدید بدانید که آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداوند است و اوبی نیاز و ستوده است.

۱۳۲- وَ لِلّٰهِ مَلَفِی السَّمٰوٰتِ وَ مَلَفِی الْاَرْضِ وَ كُنْفِی بِاللّٰهِ وَ كِیْلًا . و آنچه در آسمان و زمین است از آن خداوند است و نیك بسنده و کار ساز که او است .

۱۳۳- اِنْ يَشَاۤءُ يَدُ هَبِكُمْ اَيُّهَا النَّاسُ وَيَاۤءُتْ بَاخِرِيْنَ وَ كَلٰنَ اللّٰهُ عَلٰى ذٰلِكَ قَدِيْرًا . اگر خداوند بخواهد شمارای مردم برود دیگران آرد (نوشته اند: منظور از مردم دیگر در این آیه مردم ایران هستند زیرا در مورد این آیه وقتی از حضرت رسول پرسیدند، حضرت دست به پشت سلمان فارسی زدند و فرمودند: مراد مردم فارس است) و خدا بر این کار توانا است.

۱۳۴- مَنْ كَلٰنَ يُرِيْدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللّٰهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ وَ كَلٰنَ اللّٰهُ سَمِيْعًا بَصِيْرًا .

هر کس پاداش این جهان خواهد، بداند که نزد خداوند پاداش هر دو جهان است و خداوند شنوا و بینا بهر چیز است .

۱۳۵- يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كُوْنُوْا قَوّٰمِيْنَ بِالْقِسْطِ شُهَدَآءُ لِلّٰهِ وَلَوْ عَلٰى اَنْفُسِكُمْ اَوِ الْوَالِدِيْنَ وَالْاَقْرَبِيْنَ اِنْ يَكُنْ غَنِيًّا اَوْ فَقِيْرًا فَاَللّٰهُ اَوْلٰىٰۤا بِهِمَا فَلَآ تَتَّبِعُوْا الْهَوٰى اِنْ تَعَدَلْتُمْ وَاِنْ تَكَلَّمُوْا اَوْ تَعْرِضُوْا فَاِنَّ اللّٰهَ كَلٰنَۢ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرًا . ای کسانی که ایمان آوردید، پهای ایستید به راستکاری و داد دهی و گواه بودن خدای را به راستی، هر چند به زیان خودتان باشد یا به زیان پدران و مادران و خویشان خواه کسی بے نیازی نیازمند باشد، که خداوند از همه آنها اولی تر و بهتر و به سزادادن و حق نگاه داشتن بهتر است - پس در گواهی دادن از هوای نفس پیروی نکنید که در نتیجه بی داد گری کنید و اگر کاری بپذیرید یا روی بگردانید، خداوند به همه آنچه می کنید آگاه است .

### تفسیر ادبی و عرفانی

۱۲۵- وَ مَنۢ أَحْسَنُ دِيْنًا مِّنۢ مَّنۢ أَسْلَمَ وَ جَهَّهُ لِلّٰهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ . آیه . خداوند در این آیت مخلصان را می ستاید و اخلاص در اعمال را می پسندد و اول کسی که بنامه اخلاص در عمل کشید محمد مصطفی بود که فرمود: کارها به نیت است این روش اخلاص در عمل مانند روش رنگ است در گوهر، چه گوهری کسوت رنگ، سنگی باشد بی ارزش، عمل بی اخلاص هم بجان کنونی باشد بی ثواب .

گویند: معروف کرخی عارف بزرگوار، خود را نازیانه زدی و گفتی: ای نفس، اخلاص آرت اخلاص شوی ا گفته اند: علم تخم است و عمل کیشتن، آب آن اخلاص، کار آن اخلاص، رستگاری و بهره برداری آن اخلاص ا وسعادت ابد در اخلاص است، اما اخلاص، خود عزیز است نه هر جانی فرود آید و نه بهر کسی روی نماید، همان است که خداوند فرمود: اخلاص رازی از رازهای من است و در دل هر کس از بندگان که دوست دارم بودیعت می نهم .

گویند: در بنی اسرائیل عابدی بود، شنید طران نزدیکی درختی است که مردم آنرا می پرستند ا عابد در خشم شد و از بهر خدا و تعصب در دین تبر بردوش نهاد و رفت که درخت را ببرد ا ابلیس به صورت پیری بر او ظاهر شد و پرسید بجا میروی؟ گفت: برای بریدن فلان درخت، ابلیس گفت: برو بکار عبادت مشغول باش تو را چه کار باین کار؟ عابد سخت بر او ویخت و بر زمین زد و بر سینه او بنشست، ابلیس گفت: دست از من بدار تا تو را سخنی نیکو گویم، دست از وی برداشت،

ابلیس گفت: این کار کار پیغمبران است نه تو! عابد گفت: من از این کار باز نگردم و دوبار با ابلیس دست به پنجه شد و او را به زمین زد، بار سوم ابلیس گفت: تو مردی درویش هستی و مؤمنی تو با مردمان است، این کار را به دیگران واگذار، من روزی دودینار زیر بالین تو گذارم که هم هزینه خود کنی و هم به دیگر عابدان دهی، عابد پیش خود گفت: یک دینار آن صدقه دهم و دینار دیگر خود به کار برم و این کار بهتر از درخت برکندن است که مرا بدان نفرموده اند و من پیغمبر نیستم! دیگر روز دودینار زیر بالین خود دید و برگرفت! تا روز سوم که هیچ دیناری بر بالین ندید، تیر برداشت و عازم بریدن درخت شد ابلیس در راه رسید و به او گفت: ای مرد این کار کار تو نیست و با هم در آن میخندند ابلیس او را بر زمین زد و بر سینه او نشست، عابد پرسید: چه شد که آن دوبار من تو را زمین زدم و این بار درماندم؟ گفت: آن دوبار پهن خدای تو را میخندید و این بار پهن دینار اول برای خدا به اخلاص آمدی و از جهت دین خدا خشم گرفتی، خداوند تو را نیز مانند ساخت، اکنون بهر طمع خویش آمدی و از بهر دنیا خشم گرفتی و پیرو هوای نفس خود شدی، لاجرم ناتوان شدی که از مصطفی (ص) پرسیدند اخلاص چیست؟ گفت: اینکه گوئی: پروردگار من خدای یگانه است پس از آن در آنچه مأمور شدی پای مردی کنی!

... وَهُوَ مُخْسِنٌ . آیه . معنی نیکوکار این است که روی خود را فراحق کند و نیک داند و شناسد که چگونه

باید فراحق کردن و اخلاص بجا آوردن، که نه هر کسی به درگاه پادشاه رسد ادب حضرت شناسد!

... وَاتَّبِعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا . آیه . اشارت به حالت ابراهیم است که روی بحق نهاد و ادب حضرت بجا آورد و خود را نصیبی نگذاشت و همه را در باخت، هم نفس هم مال هم فرزند! نفس خویش در راه رضای حق و فرزند خویش در راه فرمان حق و مال خویش در راه مهربانی و شفقت بر خلق باخت! که گفته اند:

مال و زور و ایمان باید باخت چون کار بجان رسید جان باید باخت!

۱۳۲ - وَ لِلّٰهِ مَافِی السَّمٰوٰتِ وَمَافِی الْاَرْضِ . آیه . این آیه که در سه جا تکرار شده، هر جا قومی را تنبیه است! اول آگاهی همه مسلمان است و دوم آگاهی متعبدان و متقیان و سوم آگاهی عارفان و خاصگان است.

اول: به همه مسلمانان گفت: آنچه در آسمان و زمین است همه ملک و ملک من است، همه آفریده صنع من است، علم من به همه رسیده و از همه آگاهم، حقها را میان شما واجب کردم، فرضها را معین کردم، حق زنان و یتیمان را بجا آرید و اگر بد کنید یا نیک، آشتی کنید یا جنگ، همه را به حقیقت من دائم که آفریده صنع من است و صنع من بر من پنهان کی شود؟

در آیت دوم: متعبدان و پرهیزکاران را گفت: یکبارگی همه به کوی تقوی در آئید و آنرا پناه خود سازید و از راه شبهت و تهمت بر خیزید، آنگاه گروهی را توفیق داد و گروهی (بر حسب استعداد) در راه گمراهی فرو گذاشت و همه را آگاهی داد که من بی نیازم، نه طاعت عابدان مرا سود و نه معصیت عاصیان مرا زیان، هر چه در آسمان و زمین است همه مقدور و مصنوع من است!

در آیت سوم: عارفان و خاصگان را آگاهی داد، که هفت آسمان و هفت زمین و هر چه در آن آیت از آن من است همه را بدان نیافریدم تا شما روی بدان آورید و دل بر آن نهید و پس به آن بنانید و از من بازمانید! لکن بدان آفریدم تا به شما بنایم و بر نفس شما آریم، آنگاه شما همه را بگذارید و روی به من آرید!

گویند: خلیفه روزگار مال فراوان بر بهل تستری عرضه کرد، او هیچ نپذیرفت! پرسیدند: چرا نپذیرفتی؟ عارف دعا کرد تا پرده از دیده پر سنده برداشت و نگریست. یک جهان گوهر و مروارید دید! آنگاه گفت: ای جهان مرد ما را بمال

حقیقه حاجت نیست که همه خزان جهان به فرمان ما است لکن ما خود نمی خواهیم

### تفسیر لفظی

۱۳۶- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَيَّ رَسُولِي وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِن قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا. ای کسانی که ایمان آورده اید، به خدا و فرستاده اش و به کتابی که به رسولش فرود فرستاده و به کتابی که از پیش فرو فرستاده، ایمان بیاورید و بدانید که هر کس به خدا و فرشتگان و کتابهای او و رسولان او و به روز رستاخیز کافر شود، بی راه و گمراه گشته، بی راهی و گمراهی دوری!

۱۳۷- إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أَرَادُوا كُفْرًا أَلَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا. همانا کسانی که ایمان آوردند و باز کافر شدند پس در کفر بیفزودند اخدای بر آن نیست که آنانرا پیامرزد و نه آنکه هرگز آنانرا به راه راست هدایت کند.

۱۳۸- بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا. منافقان را خبر ده که ایشانرا عذابی دردناک است.  
۱۳۹- الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَعُونَ عِندَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا. کسانی که کافران را فرود از مؤمنان، به دوستی می گیرند، آیا نزد آنها عزت می جویند؟ در صورتیکه همه عزتها نزد خداوند است!

۱۴۰- وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتَ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَتَعَدُّوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذًا مِثْلُهُمْ. ان الله جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا. فرود فرستاد بر شما در قرآن که هرگاه سخنان خدا را بشنوید، دیگران با آنها کافر میشوند و بدان افسوس (استهزاء) می کنند پس شما با آنان ننشینید تا آنکه سخنی دیگر درگیرند و اینکه شما (اگر با آنها بنشینید) مانند ایشان خواهید بود، که خداوند منافقان و کافران را همگی با هم در دوزخ جمع خواهد کرد.

۱۴۱- الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِتْنَةٌ مِّنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْزِذْكُمْ وَنَسْتَحْزِذْكُمْ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّ اللَّهَ يُحْكِمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا. آنها که بدخواه شما هستند اگر پیروزی باشما باشد می گویند: آیا ما با شما نبودیم؟ و اگر برای کافران بهره و پیروزی باشد می گویند: آیا نه بر شما دست یافته بودیم و شمارا از آسیب مؤمنان باز داشتیم! پس (بدانید که) روز رستاخیز خداوند میان شما داوری خواهد کرد و هرگز برای کافران به زیان مؤمنان راهی باز نخواهند گذاشت.

۱۴۲- إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَىٰ يُرَآؤُنَ النَّاسَ وَلَا يَدْعُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا. منافقان با خدا اریب می سازند در حالیکه خداوند به آنها پاداش، فریب دهد و چون به نماز برخیزند، گاهلانه برخیزند و برای دیدار (ریاکاری) مردمان باشند و در آن خدای را اندکی یاد کنند.  
۱۴۳- مُدْبِرِينَ بَيْنَ بَيْنٍ ذَٰلِكَ لَا إِلَىٰ هُوَ لَا إِلَىٰ هُوَ وَمَنْ يَضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مَاجِدٌ. میان کفر و ایمان مترددند، نه با اینانند و نه با آنان او کسی را که خداوند (به سبب استحقاق) از راه گم کرد، برای او چاره و خیلتی بسوی راه راست نخواهی یافت.

۱۴۴- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَتُرِيدُونَ أَنْ  
تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا . ای کسانی که ایمان آوردید ، کافران را فرود (سوی) از مؤمنان به دوستی  
نگیرید آیا می خواهید که برای خداوند حجتی آشکار به زیان خود بسازید ؟

۱۴۵- إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا . منافقان در پایه  
پائین دوزخند و هرگز برای آنان یآوری نخواهی یافت !

۱۴۶- أَلَا الَّذِينَ تَتَّبِعُوا أَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُوتِيتُكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ  
وَسَوْفَ يُؤْتِيكَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا . مگر کسانی که توبه کنند و دلهای خود را به اصلاح آورند و دست به دامن  
خداوند زنند و دین خود را برای خداوند پاک و خالص کنند (که در آن صورت) خداوند به زودی به گروندگان مزدی  
و پاداشی بزرگ خواهد داد :

### تفسیر ادبی و عرفانی

۱۳۶- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ . آیه . ایمان دو قسم است : یکی از روی برهان و یکی  
از روی عیان ، برهان از راه استدلال است ، عیان ، یافت روز وصال است ، برهان استعمال دلائل عقلی است ، عیان رسیدن  
به درجات وصول است ، و خداوند از روی اشارت می فرماید : ای شما که ایمان برهانی به دست دارید بکشید تا به ایمان  
عیانی برسید . و آن به چشم اجابت به عیب نگریستن و به چشم انفراد به فرد نگریستن ، به چشم حضور به حاضر نگریستن  
و به دوری از خود حق را نزدیک بودن ، و به غیبت از خود او را حاضر بودن ، که او نه از قاصدان دور است و نه از مریدان  
غایب ، که خود فرموده : ما از بزرگ بزرگ گردن بنده به او نزدیکتریم .

پیر طریقت گفت : خداوند ، موجود نفسهای جوان مردانی ، حاضر دلهای ذاکرانی ، از نزدیک نشانت میدهند  
و برتر از آنی ، و از دورت می پندارند نزدیکتر از جانی .

اکنون که همی نگه کنم جان منی

گفتم صنما مگر که جانان منی

نیز در معنی آیه ، عارفان بزرگوار گفته اند خداوند می گوید : ای کسانی که از روی تصدیق ایمان آوردید از روی  
تحقیق هم ایمان آورید ، شریعت پذیرفتید ، حقیقت هم پذیرید ، زیرا شریعت چراغ است و حقیقت داغ ، شریعت بنده است  
و حقیقت پند ، شریعت نیاز است و حقیقت ناز ، شریعت ارکان ظاهراست و حقیقت ارکان باطن ، شریعت بی بدی است  
و حقیقت بی خودی ، شریعت بواسطه است ، حقیقت بمکاشفه .

۱۳۷- إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا . آیه . نابایستگان ازل و خستگان ابد ، فرارفتند پس به روی برآمدند  
پس برخاستند باز بیفتادند و آنگاه داغ جدائی شان بر نهادند و در حزب شیطان شدند ، بحسب این است که از چون خودی  
عزت می طلبند و همه اسپر ذلتند و باز داشتگان قهر عزت .

۱۴۲- إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ . آیه . این آیت وصف حال منافقان است و ذکر سرانجام بد ایشان .  
گویند : چون منافقان را به دوزخ برند ، مالک دَرَكِ اَوَّلِ گویند : ای آتش این منافقان را بگیر ، آتش گوید : ولایت بر زبان است  
و به زبان اینان کلمه تو خیده رفته و راه به ما فرو گرفته ، همین که نه تادَرَكِ هفتم می برند و آتش بهمان دلیل آنها را نمی گیرد  
لکن دَرَكِ هفتم می گوید : ولایت ما بردل است نه بر زبان . بیارتا از دل چه نشان داری و در دل منافق بجز کفر و شرک

نشانی نباشد، آنگاه آتش در وی گیرد و آن عذاب سخت بدورسد که منافقان در طبقه هفتم از آتش هستند. ۱۴۶- اَلَا الَّذِیْنَ تَبَاوَأُوْا آیة. جز آنانی که از نفاق توبه کردند و اعمالشان را با اخلاص در ایمان و اعتقاد اصلاح نمودند، و به درخواست توفیق از درگاه باری تعالی متوسل شدند و دین خود را برای خدا خالص کردند، در آن صورت رهایی آنان از عذاب به فضل خداوند و لطف و کرم او است...

### تفسیر لفظی

۱۴۷- مَا یَفْعَلُ اللهُ بِعَذَابِكُمْ اِنْ شَکَرْتُمْ وَاٰمَنْتُمْ وَكَانَ اللهُ شَاکِرًا عَلِیْمًا. خداوند شمارا عذاب نمی کند در صورتیکه او را سپاسگزار باشید و او را استوار گیرید و در حقیقت ایمان آورید، که خداوند هم سپاس دار و هم دانا است.

جزو ششم:

۱۴۸- لَا یُحِبُّ اللهُ الْجَهْرَ بِالسُّوْءِ مِنَ الْقَوْلِ اِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللهُ سَمِیْعًا عَلِیْمًا. خداوند سخن گفتن به بدی را دوست ندارد، جز در مورد ستم دیده و که خداوند شنوا و دانا است.

۱۴۹- اِنْ تَسْتَدُوْا خَیْرًا اَوْ تَخْفُوْهُ اَوْ تَعْفُوْا عَنْ سُوْءٍ فَاِنَّ اللهَ كَانَ عَافُوًا قَدِیْرًا. اگر نیکی را آشکار کنید یا پنهان دارید یا بدی را به بخشید، پس به راستی و درستی (بدانید) که خداوند آمرزنده و توانا است.

۱۵۰- اِنَّ الَّذِیْنَ یَكْفُرُوْنَ بِاللّٰهِ وَرُسُلِهِ وَیُرِیْدُوْنَ اَنْ یُّفَرِّقُوْا بَیْنَ اللّٰهِ وَرُسُلِهِ وَیَقُوْلُوْنَ نُوْمِنُ بِبَعْضٍ وَنُكْفِرُ بِبَعْضٍ وَیُرِیْدُوْنَ اَنْ یَّتَّخِذُوْا بَیْنَ ذٰلِكَ سَبِیْلًا. آنان که به خدا و فرستادگان او کافر شدند می خواهند میان خدا و رسولانش (در تصدیق) جدائی افکنند و می خواهند میان استواری و ناستواری راهی بدست آورند.

۱۵۱- اُولٰٓئِکَ هُمُ الْکٰفِرُوْنَ حَقًّا وَاَعْتَدْنَا لِلْکٰفِرِیْنَ عَذَابًا مُّهِیْنًا. آنان کافران حقیقی هستند و ما برای این گونه کافران عذاب خوار آوری آماده ساخته ایم.

۱۵۲- وَالَّذِیْنَ آمَنُوا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ یُفَرِّقُوْا بَیْنَ اٰخِذٍ مِنْهُمْ اُولٰٓئِکَ سَوْفَ یُؤْتِیْهِمْ اُجْرًا وَاِنَّ اللهَ لَخَبِیْرٌ رَّحِیْمٌ. کسانی که به خدا و فرستادگان او ایمان آوردند و میان آنان فرق نگذاشتند ایشانند که بزودی پاداش و مزدشان را خواهیم داد و که خداوند آمرزنده و مهربان است.

۱۵۳- یَسْئَلُکَ اَهْلُ الْکِتٰبِ اَنْ تُنَزِّلَ عَلَیْهِمْ کِتٰبًا مِنَ السَّمَآءِ فَتَقَدُّ سَاَلُوْا مُوسٰی اَکْبَرَ مِنْ ذٰلِکَ فَقَالُوْا رَبَّنَا اللّٰهُ جَهْرَةٌ فَاَخَذَتْهُمُ الضُّلَعِیْقَةُ بِظُلْمِیَّتِهِمْ. اهل تورات از تومی پرسند که از آسمان برای آنها کتاب آوری، آنان از موسی (پیغمبرشان) بزرگتر از این پرسیدند و گفتند: خدا را آشکارا به ما بیا و بواسطه این گستاخی و بیدادی آنان، آتش آسمانی آنها را گرفت و سوخت. ثم اتخذوا العجل من بعد ما جعل الله لهم النبیات فَعَفُوْا عَنْ ذٰلِکَ وَاَتٰنَا مُوسٰی سُلْطٰنًا مُّبِیْنًا. پس از آنکه نشانهای روشن برای آنها آمد باز گوساله را (به خدائی) گرفتند و ما این همه را از ایشان فرا گذاشتیم و بخشودیم و به موسی دست رسی و نیروی آشکار دادیم.

۱۵۴- وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّوْرَ بِمِثْقٰلِهِمْ وَقُلْنَا لَهُمْ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَاَقْلَبْنَا لَهُمْ اَلْبٰبَ فِی السَّبْتِ وَاَخَذْنَا مِنْهُمْ مِثْقٰلًا عَلِیْمًا. ما کوه طور را بر سر ایشان باز داشتیم (به سبب پیمانی که خواستید)